



د افغانستان بانک

بانک

د افغانستان بانک خپرونه

شپږم کال، شپږ شپږمه ګڼه، د لیندۍ میاشت

انرژۍ آفتاب و استفاده از آن در تولید برق



د افغانستان بانک خبرتيا

په خپلو راکړو او ورکړو او اقتصادي معاملو کې د اسعارو له اخیستلو څخه مخنیوی وکړی او هغه اشخاصو ته چې په خپلو پولي معاملو کې له اسعارو څخه کار اخلي، ووايي چې زموږ ملي پیسې زموږ د فرهنگ، تاریخ او زموږ د ملي هویت نښه (سمبول) او د هغې ترویج او دود د افغانانو پیژندګلوي او د عالي فرهنگ ښکارندوی دی. ●

بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

مدیر مسوول: یمه عقیف

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: مدیریت نشرات

فوتوژونالیست: زیرک ملیا

آدرس: آمریت عمومی اسناد و ارتباط، د افغانستان بانک

تلفون: ۰۰۹۳۰۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۰۲۰۲۱۰۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

د دې ګڼې مطالب

جلسه شورای عالی د افغانستان بانک دایر گردید

محترم الحاج محمد عیسی طراب با والی محترم بلخ ملاقات نمود

بانکونوهای مندرس در زون ساحوی شمال د افغانستان بانک حریق گردید

نرخ مبادله و نقش آن در اقتصاد

۲۰۱۴: افغانستان یک ماموریت نه، بلکه یک مسوولیت است

د هېواد لاسي صنايعي

نگاهی کوتاه بر روند تحولات اقتصادی جهان: نومبر ۲۰۱۲

سرمایه گذاری و روند آن در افغانستان

په بانکي سیستم کې د کریپت کارب اهمیت

د افغانستان د بانکداری قانون

امکان استفاده از انرژی نامحدود در افغانستان

بزرگترین ذخایر طلای جهان در انحصار کدام کشورهاست؟

با اصطلاحات حقوقی و اقتصادی آشنا شوید

یاد آوری: به غیر از سرمقاله که دیدگاه رسمی "مجله بانک" است، مسوولیت مضامین و مقالات دیگر به نویسندگان آن بر

می گردد، همچنان استفاده از مقالات و تصاویر مجله با ذکر مأخذ مجاز است.



تدویر نمایشگاه ها زمینه خوبی برای بازاریابی و رشد اقتصاد

اقتصاد افغانستان در اثر جنگ های تحمیلی چند دهه گذشته، شدیداً آسیب دید و صدمه جبران ناپذیری را متحمل گردید و همه زیربنا های کشور کاملاً از بین رفت و فعالیت های اقتصادی به پایین ترین سطح خود رسید. این مشکلات سبب گردید تا اکثریت اجناس و مواد مورد ضرورت کشور از ممالک همسایه وارد گردد و افغانستان به یک کشور کاملاً مصرفی مبدل شود.

خوشبختانه بعد از سال ۲۰۰۱ و روی کار آمدن دولت جمهوری اسلامی افغانستان با همکاری و مساعدت های اقتصادی جامعه جهانی، سعی و تلاش سرمایه گذاران افغان که در خارج از کشور به سر می بردند و همچنان فراهم نمودن زمینه سرمایه گذاری از طرف حکومت افغانستان به منظور رشد و تقویه سرمایه گذاری سبب شده است تا سرمایه گذاران افغان سرمایه گذاری های خویش را در همه سکتور های اقتصادی آغاز، رونق و بیشتر توسعه بخشند که سرانجام در اثر آن تولیدات داخلی از نگاه کمی و کیفی افزایش و رشد چشمگیر نمود. تولیدکنندگان با همکاری ادارات حمایت کننده توانستند تا تولیدات و توانایی های تولیدی شان را به مردم افغانستان و تجار داخلی و خارجی جهت معرفی به نمایش بگذارند.

چون تولیدات داخلی یک کشور نیازمند بازاریست که زمینه معاملات تجارتي را میان خریداران با تولید کنندگان مهیا سازد. بنائاً طی ده سال گذشته ما شاهد برگزاری چنین بازارها و نمایشگاه های بین المللی بدین منظور در کشور بوده ایم که همه جهت معرفی، بازاریابی محصولات و تولیدات داخلی و همچنان توانایی های تولیدی مولدین کشور چه صنعتی و چه هم زراعتی به هموطنان و تجار و اتباع خارجی تدویر یافته بودند.

برگزاری چنین نمایشگاه ها فرصتست جهت بازاریابی و معرفی محصولات میان مولدین صنایع داخلی با تجار و مولدین خارجی و مردم عزیز کشور تا آنها با تولیدات کشور بیشتر آشنایی یابند و با استفاده از تولیدات داخلی و همچنان فروش آن به بازار های خارجی زمینه رشد و توسعه سرمایه گذاری را در همه سکتور های اقتصادی بیشتر مساعد نمایند. افزایش در خرید و فروش محصولات داخلی کشور میزان تولیدات صنعتی و محصولات زراعتی را بیشتر از امروز می تواند افزایش دهد که با تزئید مبادلات تجارتي و استفاده از محصولات زمینه تشویق سرمایه گذاری ها و رشد و توسعه تصدی های تولیدی بیشتر افزایش یافته و در نتیجه فرصت ایجاد اشتغال و رشد اقتصاد ملی را در پی خواهد داشت. ●

جلسه شورای عالی د افغانستان بانک دایر گردید



شورای عالی د افغانستان بانک که منحیت عالیترین مرجع تصمیم گیری این بانک است طبق معمول بتاريخ ۲ و ۵ قوس سالروان تشکیل جلسه نمود. در جلسه متذکره روی موضوعات و مسایل د افغانستان بانک و نظام بانکداری کشور صحبت بعمل آمد. محترم نورالله دلاوری رئیس گُل د افغانستان بانک و رئیس شورای عالی، محترم خان افضل هده وال معاون اول و معاون شورای عالی د افغانستان بانک و سایر اعضای محترم شورای عالی این بانک در جلسه ربع سوم سال روان اشتراک ورزیده بودند. در ابتدای جلسه محترم نور الله دلاوری رئیس شورای عالی د افغانستان بانک پیرامون دستاورد ها و چالش ها به تفصیل صحبت نموده بعداً طبق پروگرام، گزارشات و کار کرد های شعبات را استماع نموده و آنرا تحت غور و بررسی قرار دادند. در جلسه روی سایر موضوعات و مسایل بخصوص بودجه سال ۱۳۹۲ بحث نموده و در اخیر جلسه در قسمت موارد فوق تصمیم لازم اتخاذ گردید. ●



محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک با محترم عطا محمد نور والی بلخ ملاقات نمود

برای هر کشور واحد پولی شان از اهمیت خاصی برخوردار است و جزى از هویت شان به شمار می آید و مردم آن کشور در داد و ستد خود از پول خود استفاده و به آن ارجح می گذارند. پول افغانى نیز منحيث هویت ملی ما بوده و استفاده از آن در داد و ستد نمایانگر فرهنگ عالی ماست. نظر به تعقیب سیاست های معقول پولی، پول افغانى از ثبات خوبی در برابر سایر پول های بخصوص پول های کشور های همسایه برخوردار می باشد که باید هر افغان مسوولیت خود را در قبال آن ادا و در داد و ستد اقتصادی منحيث هویت ملی استفاده نماید.

همچنان محترم الحاج محمد عیسی طراب در رابطه به دستاورد های دهه گذشته نظام بانكى اشاره نموده گفت: در دهه اخیر شاهد پیروزی های چشمگیری در سایر عرصه های حیاتی

محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک که بتاريخ ۳۰ عقرب سال روان عازم ولایت بلخ شده بود با محترم عطا محمد نور والی ولایت بلخ نشستی روی تطبیق فرمان شماره ۴۵ مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان و بند های فرمان فوق که مربوط به د افغانستان بانک می شود و همچنان دستاورد های د افغانستان بانک صحبت نموده اظهار داشت: طبق قانون د افغانستان بانک یکی از وظایف این بانک حق انحصار چاپ و نشر بانکونتها و سکه می باشد و مطابق ماده سی و سوم قانون د افغانستان بانک پول رایج و واحد پولی افغانستان افغانى است. د افغانستان بانک در قسمت ترویج این پول سعی نموده است تا مردم را تشویق به استفاده از پول افغانى در داد و ستد نماید که این تلاش و زحمات بی نتیجه نمانده و دستاورد های زیادی در زمینه بوجود آمده است.

هستیم. سکتور بانکی کشور هم دستاورد های چشمگیری را کسب نموده است. تصویب قوانین و مقررات نهایت مهم (قانون د افغانستان بانک، قانون بانکداری، قانون مبارزه با تطهیر پول و تمول و تروریزم و سایر قوانین و مقررات بانکی که بر اساس آنها نظام بانکی افغانستان فعالیت می نماید. بانکها با وسایل مُدرن و عصری مجهز گردیده اند، معاملات بانکی بصورت مطمئن و شفاف در اسرع وقت صورت می گیرد.

د افغانستان بانک با سیستم مُدرن محاسبوی مُجهز است که این سیستم واحد محاسبوی همه امورات نظام بانکی را سهل و سریع ساخته است. کارمندان بانک مرکزی از دانش مسلکی و تجارب خوب بانکداری برخوردار اند و همین طور در همه عرصه های بانکی پیشرفت های چشمگیر صورت گرفته است.

همچنان معاون دوم د افغانستان بانک در رابطه به انتقال غیر قانونی اسعار صحبت نموده افزود:

برای انتقال پول به خارج از کشور معیار های تعیین شده است که بر اساس آن هیچ فرد نمی تواند بیش از بیست هزار دالر امریکایی یا معادل آن به افغانی و سایر اسعار را به شکل فزیکي به خارج از کشور انتقال دهد و اگر بیشتر از حد تعیین شده را جهت تجارت و دیگر امور با خود انتقال میدهد به یکی از بانکهای خصوصی کشور مراجعه نموده تا در قسمت انتقال آن اجراءات اصولی و قانونی صورت گیرد.

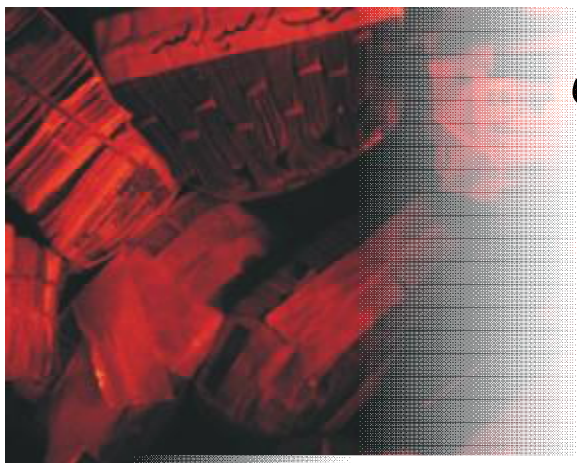
متعاقباً محترم عطا محمد نور والی ولایت بلخ در رابطه به دستاورد های سکتور بانکی و خدمات بانکداری در ولایت بلخ مفصلاً صحبت نموده گفت: نظام بانکداری در ولایت بلخ فعالیت های بهتری را به مردم عرضه میدارد. مردم از فعالیت زون ساحوی

شمال د افغانستان بانک و بانکهای خصوصی رضایت دارند، نمایندگی تمام بانک های تجارتي در ولایت بلخ موجود است که در زمینه های انتقالات پولی، پرداخت معاشات، حفظ سپردهای مردم و غیره تسهیلات خدمات ارزنده را عرضه می نمایند.

همچنان باید یاد آوری شود که فرهنگ استفاده از پول افغانی در مسایل تجاری و سایر داد و ستد در سراسر ولایت بلخ ترویج یافته است، همه مردم از ابتدای ریفورم پولی در معاملات و خرید و فروش روزمره خویش از پول افغانی استفاده می نمایند که از این نگاه ولایت بلخ به مشکلی مواجه نیست.

محترم والی بلخ در رابطه به رشد و توسعه فعالیت های اقتصادی آن ولایت صحبت نموده افزود: این ولایت رشد خوب اقتصادی را تجربه می نماید و به سوی پیشرفت در حرکت است. در بخش های مختلف مانند: شرکت های مختلف تولیدی، راه آهن از بندر تجارتي حیرتان الی شهر مزارشریف، سکتور معارف و تحصیلات عالی، سکتور ساختمانی، بازسازی و نوسازی جاده ها و سایر پروژه های زیر بنایی از جانب دولت و سکتور خصوصی کشور سرمایه گذاری شده است، یعنی زمینه بهتر سرمایه گذاری، داخلی و خارجی در این ولایت مهیا شده است، از سرمایه گذاران داخلی و خارجی دعوت بعمل آمده تا در این ولایت سرمایه گذاری نمایند. این ولایت با خط آهن به آسیا میانه وصل شده است، خود سهولت زیادی در مناسبات سرمایه گذاری دارد.

محترم والی ولایت بلخ در اخیر صحبت هایشان در راستای تطبیق فرمان شماره ۴۵ مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان بخصوص در قسمت ترویج پول افغانی و انتقال اسعار از مجرای قانونی وعده هر گونه همکاری را نمود. ●



بانکوت های مندرس در زون ساحوی شمال د افغانستان بانک حریق گردید

بانکوت های مندرس و نامناسب به طور متداوم از جانب نمایندگی های د افغانستان بانک جمعآوری و بعداً مطابق قانون تحت نظر هیئت موظف حریق و یا ذریعه ماشین های مخصوص از بین برده شده و از دوران اقتصادی خارج می شوند که این پروسه در کابل و مراکز زون های ساحوی د افغانستان بانک به شکل معمول صورت می گیرد.

به همین منظور هیئتی متشکل از نمایندگان محترم مجلسین شورای ملی، وزارت های محترم مالیه و عدلیه، اداره محترم ناظر گُل، عملیات بانکی و خزانه داری گُل د افغانستان بانک تحت ریاست محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک به تاریخ ۳۰ عقرب سال روان در زون ساحوی شمال د افغانستان بانک عازم ولایت بلخ گردیدند. ابتداء محترم معاون دوم د افغانستان بانک در گردهمایی کارمندان زون ساحوی شمال در حالی که آمر ساحوی زون غرب د افغانستان بانک نیز حضور داشت، پیرامون ترویج پول افغانی و تطبیق فرمان شماره ۴۵ مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی افغانستان صحبت نموده گفت: ترویج پول افغانی و استفاده از آن در داد و ستد مسوولیت ماست که باید در این عرصه از جان و دل بکوشیم. چون پول افغانی یکی از ارزش های ملی ما می باشد باید در معاملات اقتصادی، تجارتی و خریداری های روزمره خود از آن استفاده نمائیم. پول افغانی در سطح منطقه از ثبات خوبی برخوردار است که در معاملات و داد و ستد تجارتی خیلی ها مؤثر واقع می گردد، بناً لازم است تا در ترویج هر بیشتر آن جد و جهد نمائیم.



همچنان محترم معاون دوم در قسمت حفظ و نگهداشت پول افغانی گفت: در حفظ و نگهداشت این پول به مثابه هویت ملی خود کوشا و دقیق باشیم تا زود تر از وقت معینه فرسوده نشوند و پولی را که در چاپ دوباره آن هزینه می گردد صرفه جویی و در سایر پروژه های زیر بنایی هزینه نمائیم تا سبب رشد و شکوفایی اقتصاد کشور گردد.

بعداً محترم طراب معاون دوم د افغانستان بانک با هیئت همراه شان بانکوت هایی را که جهت حریق جمعآوری گردیده بود دقیقاً کنترل، شمارش و سربندلی های آنرا بررسی نمودند و بانکوتهای مندرس در کوره مخصوصی که به همین منظور آماده شده بود، حریق گردید. طبق گزارش معاونیت عملیات بانکی در امور نشر و مراقبت بانکوتهای، پول های حریق شده دارای انواعیه ذیل می باشند:

شماره	نوع بانکوت	تعداد بندل	مبلغ هر نوع بانکوت
۱	هزار افغانیگی	۱۱۱ بندل	۱۱۱،۰۰۰،۰۰۰ افغانی
۲	پنجصد افغانیگی	۶۰۳ بندل	۳۰۱،۵۰۰،۰۰۰ افغانی
۳	صد افغانیگی	۹۵۰ بندل	۹۵،۰۰۰،۰۰۰ افغانی
۴	پنجاه افغانیگی	۹۶۳ بندل	۴۸،۱۵۰،۰۰۰ افغانی
۵	بیست افغانیگی	۲۴۵۰ بندل	۴۹،۰۰۰،۰۰۰ افغانی
۶	ده افغانیگی	۴۰۴۰ بندل	۴۰،۴۰۰،۰۰۰ افغانی
۷	پنج افغانیگی	۲۵۰ بندل	۷۵۰،۰۰۰ افغانی
۸	دو افغانیگی	۲۷۰ بندل	۵۴۰،۰۰۰ افغانی
۹	یک افغانیگی	۱۴۰ بندل	۱۴۰،۰۰۰ افغانی
	جمعاً	۹۶۷۷ بندل	۶۴۶،۴۸۰،۰۰۰ افغانی

جمعاً مبلغ شش صد و چهل و شش میلیون و چهار صد و هشتاد هزار افغانی تحت نظر هیئت تعیین شده حریق گردید.

همچنان معاون دوم د افغانستان در محفل افتتاح تعمیر نمایندگی د افغانستان بانک در ولایت سرپل اشتراک نمود، ابتداء محترم عبدالجبار حق بین والی آن ولایت طی صحبتی گفت: اعمار تعمیر نمایندگی بانک مرکزی در ولایت سرپل یک ضرورت مبرم بوده زیرا مشکلات مردم این ولایت درین عرصه کاهش می یابد، حالا بانک مرکزی افغانستان در ولایت سرپل تعمیری با استندرد بانکداری و کاملاً مصون دارد که امکان خطر در آن کمتر دیده می شود. همچنان اعمار و بهره برداری از تعمیر جدید در رونق شهر سرپل افزوده است. بانکداری در ولایت سرپل از اهمیت والایی برخوردار بوده و مردم این ولایت، با کلتور بانکداری آشنایی حاصل نموده و حسابات پس انداز، جاری، میعادی و غیره را افتتاح کرده اند، کارمندان معاشات خود را از بانکها دریافت می نمایند و انتقالات پول به اسرع وقت و کاملاً مطمئن از یک جا به جای دیگر (به خارج و داخل کشور) صورت می گیرد.

اعمار تعمیر جدید نمایندگی د افغانستان بانک در سرپل سهولت های زیادی را به بار آورده است که این موفقیت و پیشرفت را به مردم ولایت سرپل تبریک و تهنیت می گویم.



بعداً محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک پیرامون نوسازی و بازسازی نمایندگی های د افغانستان بانک در ولایات کشور مفصلاً صحبت نموده گفت: بعد از سال ۲۰۰۲ در سایر عرصه های بانک مرکزی تغییرات مثبتی رونما شده است که هنوز هم ادامه دارد، تعداد زیادی از تعمیر های نمایندگی ها در بهره برداری قرار دارند و تعدادی هم تحت کار می باشند همچنان بعد از سال ۲۰۰۲ با تصویب دو قانون نهایت مهم (قانون د افغانستان بانک و قانون بانکداری) سکتور بانکداری در مسیر نهایت خوبی قرار گرفته است که منحصراً یک سکتور پیشگام و قوی تلقی می گردد. سکتور بانکداری افغانستان با وجود چالش ها، دستاورد های خوبی داشته که خدمات بانکی را در تمام ولایات کشور و به زود ترین فرصت عرضه می دارد و بانکها با سیستم عصر امروز و مدرن عیار گردیده است. نظام بانکی افغانستان را هفده بانک تجارتي تشکیل می دهد که شاخه های آن در همه ساحت کشور فعالیت و خدمات ارزنده یی را به مردم عرضه میدارند. نظام بانکداری کشور جهت سهولت در داد و ستد و همچنان انتقال مصون و مطمئن پول دبت کارت، کريدت کارت و ویزه کارت ها را بدسترس مشتریان قرار داده است که با استفاده از این کارت ها از فرسوده شدن زود هنگام بانکوت ها جلوگیری بعمل آید و از انتقال مقدار زیاد پول در جیب ها می کاهد، همچنان هموطنان ما میتوانند از این کارت ها در مسافرت های داخلی و خارجی استفاده مؤثر نمایند.

همچنان محترم طراب معاون دوم د افغانستان بانک سیستم راپور دهی بین بانکها را شفاف و سریع عنوان نموده گفت: بانکها معاملات خود را با سیستم های پیشرفته در داخل و خارج از کشور انجام میدهند و راپور دهی با سیستم سی بی اس صورت می گیرد، برای فراگیری مسلک بانکداری و آشنایی با سیستم های محاسبوی مدرن، کورس های آموزشی برای کارمندان جدید التقرر ایجاد گردیده تا سطح آموزش مسلکی آنها نیز تقویه گردد.

همچنان قابل یادآوریست که ذخایر ارزی د افغانستان بانک به اضافه تر از ۷ میلیارد دالر می رسد. این بانک به سیستم محاسبوی (سی بی اس) که از جمله سیستم های جهانی محسوب می گردد عیار گردیده و تمام کارمندان مرکز و ولایات د افغانستان بانک درین مورد آموزش دیده اند.



بعداً تعمیر مذکور از جانب محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک و محترم عبدالجبار حقین با قطع نوار افتتاح و به بهره برداری سپرده شد. در محفل افتتاح تعمیر مذکور محترم عطا خان اورتاق آمر زون شمال د افغانستان بانک، محترم رئیس امنیت ملی، محترم قوماندان امنیه ولایت سرپل و روسای بانک های تجارتي اشتراک نموده بودند، طبق گزارش بخش تعمیرات مدیریت عمومی خدمات بانک مرکزی، این تعمیر در دو طبقه اعمار و دارای یازده باب اتاق کاری، یک باب صالون عملیات بانکی و خزانه مستحکم در مدت ده ماه با هزینه حدود یازده ملیون افغانی توسط یکی از شرکت های ساختمانی از بودجه انکشافی د افغانستان بانک اعمار شده

است. ●

نرخ مبادله

و نقش آن در اقتصاد

میراحمد شکیب
اقتصاددان سیاست پولي

نرخ مبادله یکی از متغیرها و شاخص‌های اساسی و کلیدی اقتصاد ملی و بین‌المللی بوده که برای سیاست‌گذاران اقتصادی هر کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این مقاله مروریست بر نرخ مبادله و نقش آن در اقتصاد که با استفاده از ۷۳ منبع معتبر علمی، تهیه و نوشته گردیده است. در این مقاله روی نرخ مبادله و انواع آن، نظام‌های مختلف نرخ مبادله، مزایا و ضعف‌های نظام‌های مختلف نرخ مبادله، عوامل مؤثر در تعیین نرخ مبادله، نرخ مبادله و تجارت خارجی، نرخ مبادله و تورم پولي، و چگونگی نوسانات نرخ مبادله در کشور طی ده سال اخیر بحث صورت گرفته و جوانب مختلف موضوعات مربوط به نرخ مبادله، از دید نظری و عملی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. شایان ذکر است که در شماره‌های آینده پیرامون موضوعات مشخص سیاست پولي که در این مقاله گنجانیده شده است، به تفصیل بحث صورت خواهد گرفت.

در اقتصاد باز، نرخ مبادله یکی از موضوعات فوق‌العاده مهم برای سیاست‌گذاران اقتصادی بوده و از شاخص‌های قوی و اساسی اقتصاد ملی بشمار میرود. اقتصاددانان به این باور اند که نرخ مبادله یک شاخص ملی و بین‌المللی سیاسی-اقتصادی-اجتماعی بوده و از ابزارهای اساسی سیاست‌های اقتصادی در تجارت خارجی بشمار میرود. نرخ مبادله معاملات اقتصادی بیرون مرزی و یا تجارت خارجی را بصورت مستقیم تحت تأثیر قرار میدهد. تجارت، سرمایه‌گذاری، تمویل، توریسم و امثال آن بگونه عمیق توسط سیاست‌های ارزی بین‌المللی تحت تأثیر قرار میگیرند.

در اقتصاد جهت انجام معاملات اقتصادی هنگام مبادله کالاها و خدمات، ضرورت احساس میشود تا نسبت مبادلوی بین آنها تعیین شود. در هر بازار هنگام مبادله، معین بودن قیمت کالاها و خدمات چیزی است که باید مشخص باشد تا بر اساس آن معامله اقتصادی چه به سطح کوچک و چه به سطح کلان صورت گیرد. مادامیکه کالاها و خدمات با هم مبادله میگردند، تولیدات فراتر از مرزهای یک کشور باشند، در این حال قیمت این کالاها و خدمات به واحد‌های پولی مختلف این کشورها مورد علاقه بوده که ایجاب تعیین نسبتهای مبادله را نموده و به این ترتیب موضوع ارزش بیمان می‌آید. ارزش عبارت از پول کاغذی، سکه و سپرده‌ها در بانکهای خارجی و سایر مطالبات مالی قابل پرداخت به پولهای خارجی جهت پرداختهای بین‌المللی یک کشور میباشد.

تعریف نرخ مبادله: نرخ مبادله را میتوان قیمت یک دارایی مالی (Financial Asset) به سایر واحد‌های پولی تعریف کرد و یا نرخ مبادله عبارت از بیان قیمت واحد پول یک کشور در مقابل واحد پول کشور دیگر یا سایر کشورها در یک زمان معین است که ذریعه آن یک پول در مقابل پول و یا پولهای دیگر مبادله میگردد. طبق یک تعریف دیگر، نرخ مبادله یا نرخ ارزش عبارت از مقدار واحد پول ملی یک کشور مشخص برای خرید یک واحد از پول کشور دیگر میباشد. به این گونه، نرخ مبادله ارتباط را بین پولهای کشورهای مختلف تأمین نموده و چگونگی مقایسه قیمت و مصارف بین‌المللی را به پولهای متفاوت امکان پذیر میسازد. بناً بوسیله نرخ مبادله، معامله پولهای کشورهای مختلف با هم میسر شده که همچو معاملات، معاملات ارزی یا اسعاری نامیده میشوند.

از فوق بر می‌آید که در نرخ مبادله دو پول که مورد معامله قرار میگیرند، دخیل بوده که یکی آن پول پایه و دیگر آن پول متغیر نامیده میشود. پول پایه که واحد پول خارجی یاد میشود، ثابت باقی مانده و تغییرات و نوسانات نرخ مبادله از طریق پول ملی که متغیر میباشد، نشان داده میشود. نرخ مبادله نیز مانند قیمت سایر کالاها و خدمات در بازارها و بر اساس عرضه و تقاضا به هر یکی از ارزش‌ها بدست می‌آید.

نرخ مبادله اسمی (Nominal Exchange Rate): نرخ مبادله اسمی عبارت از یک و یا هم چند واحد پول ملی که بتواند یک واحد پول خارجی را خریداری نماید، میباشد. نرخ مبادله اسمی در بازار ارزش بر اساس عرضه و تقاضا و یا هم توسط بانک مرکزی تعیین میشود. نرخ مبادله اسمی در معاملات خارجی نمیتواند برای واردکنندگان و صادرکنندگان شاخص مناسبی جهت محاسبه مقدار پرداختی‌ها و دریافتی‌ها به شمار آید. همچنین در شرایط تورمی نیز نمیتواند بیانگر قدرت رقابت خارجی باشد.

نرخ مبادله حقیقی (Real Exchange Rate): از نرخ مبادله حقیقی وقتی صحبت بعمل می آید که قدرت خرید دو ارز در مقایسه با همدیگر مورد بحث باشد. اگر دو ارز با هم در بازار ارز با یک نرخ مبادله واحد خرید و فروش شوند، به معنی این است که عین مقدار کالاها و خدمات با هر یکی از این دو پول میتواند خریداری گردد که این امر ناشی از نرخ تورم پولی در هر یکی از این دو واحد پول با هم می باشد. به این سبب نرخ مبادله حقیقی به شکل نرخ مبادله اسمی تعدیل شده با نرخ تورم پولی بین دو ارز محاسبه می شود. در یک تحلیل دیگر، نرخ مبادله حقیقی به گونه نسبت سطح قیم داخلی تقسیم بر سطح قیم خارجی تعریف شده است.

بگونه مثال اگر شما ۱۰۰۰ افغانی را در یک بانک با نرخ سود سالانه ۸ در صد پس انداز نمایید، این نرخ سود اسمی است. چیزی که شما بصورت واقعی دریافت میکنید عبارت از نرخ سود حقیقی است که به نرخ تورم پولی متکی است. اگر تورم پولی به گونه مثال ۵ در صد باشد، شما در حقیقت ۳ در صد سود دریافت کرده اید. به همین گونه نرخ مبادله اسمی بین افغانی و دالر عبارت از مقدار دالر ایست که شما میتوانید در مقابل هر افغانی خریداری نمائید. برای دریافت نرخ مبادله حقیقی باید نرخ تورم پولی در هر دو کشور را دریافت نمائیم.

نرخ مبادله حقیقی در واقع نرخ اسمی بوده که با سنجش تورم پولی تصحیح و تعدیل گردیده است. اگر نرخ تورم پولی در یک کشور ۱۰ در صد باشد و کشور دومی نرخ تورم پولی آن ۵ در صد باشد و در نرخ مبادله تغییر بمیان نیامده باشد، در این صورت پول کشور اولی ارزش ۵ در صد بلند تر نسبت به ارزش پول کشور دومی دارد. زیرا قیمتهای بلند بیانگر افزایش نرخ مبادله میباشد.

نرخ مبادله حقیقی مؤثر (Real Effective Exchange Rate): نرخ مبادله حقیقی مؤثر جهت تعیین ارزش پول یک کشور نسبت به کشور های عمده دیگر که با تأثیرات تورم پولی تعدیل شده باشد، بکار میرود. این همچنان ارزشی است که یک مشتری برای خریداری یک جنس وارد شده می پردازد. نرخ مبادله مؤثر نیز صرفاً قیمت ارزی که صادرکنندگان یا واردکنندگان با آن سرو کار دارند، را نشان میدهد. از این لحاظ، برای تحلیل بیلائنس تأدیات و بیلائنس تجارت، اندازه گیری هزینه تولید کالاها و تشخیص توان رقابتی یک اقتصاد و روند واقعی نرخ مبادله تعادلی و تعیین قدرت آن نمی تواند سودمند باشد، از این رو، نرخ مبادله حقیقی تا حد زیادی موارد فوق را پوشش می دهد.

نرخ مبادله اسمی مؤثر (Nominal Effective Exchange Rate): نرخ مبادله مؤثر اسمی عبارت از اوسط توزین شده نرخ مبادله پول یک کشور در برابر ارزهای شرکای تجارتی آن میباشد و یا طبق یک تعریف دیگر، نرخ مبادله مؤثر اسمی نشان دهنده ارزش نسبی پول ملی یک کشور در مقایسه با ارز های عمده بین المللی چون دالر امریکایی، یورو و غیره ارز ها میباشد. نرخ مبادله مؤثر اسمی بلند تر به معنی اینست که پول ملی یک کشور ارزش بیشتر نسبت به پول کشور مورد مقایسه را دارا میباشد. نرخ مبادله مؤثر اسمی همچنان بیانگر قیمت نسبی است که یک مصرف کننده داخلی برای اجناس وارد شده میپردازد.

نرخ مبادله و قیم صادرات: بصورت عموم، قیمتهای خوب اقلام عمده صادراتی یک کشور در تقویت و نگهداری ارزش پول آن مهم است. بگونه مثال نرخ مبادله کشورهای چون استرالیا، کانادا، زیلاند جدید و افریقای جنوبی در طول زمان با قیمتهای اقلام عمده صادراتی آنها کاهش و افزایش یافته است. اگر قیمتها بلند بروند، ارزش صادرات شان بیشتر شده و در اینصورت مؤلدين اسعار بیشتر خارجی را جهت خریداری ارز ملی مصرف می نمایند.

انواع نرخ مبادله:

نرخ آماده (Spot Rate): نرخ مبادله آماده عبارت از نرخي است که در انتقال نقدی یک ارز در برابر ارز دیگر بصورت همزمان قابل تطبیق است. در معاملات آماده، نرخ حقیقی مبادله پول برای کالاها با کمترین تأخیر ممکن صورت میگیرد. نرخ آماده ارزش مبادلوی یک پول را در همان وقت حاضر نشان میدهد. در معاملات نقدی، ارز به هنگام معامله یا حد اکثر دو روز کاری بعد از تاریخ عقد قرارداد بین جانبین قابل تحویل میباشد. در صورتیکه مشتری معمولی باشد تحویل هنگام انجام معامله صورت گرفته و در صورتیکه یک بانک از بانک دیگر ارز نقداً خریداری نماید، بعضاً بانک فروشنده ارز تا دو روز کاری بعد از تاریخ عقد قرارداد جهت تحویل ارز مورد معامله مهلت میداشته باشد.

نرخ سلف (Forward Rate): در صورت نرخ سلف، برای تحویل دهی یک ارز در برابر ارز دیگر در یک تاریخ معین در آینده، نرخ از قبل و در هنگام عقد معامله، تعیین گردیده ولی مبالغ قابل مبادله در آینده تحویل داده میشود.

نرخ آتی (Future Rate): در معاملات آتی بر عکس معاملات نقدی، ارز در موعد سررسید قرارداد قابل تحویل میباشد. نرخ آتی نرخي است که با انتقال و تحویل دهی یک ارز در مقابل ارز دیگر در آینده قابل تطبیق میباشد. در اینصورت قرارداد امروز صورت گرفته ولی پرداخت در یک تاریخ مشخص در آینده انجام شده و نرخ آن روز (روز تصفیه معامله ارزی) بالای آن قابل تطبیق میباشد.

معاملات آتی ارز به دو نوع معاملات، آتی ثابت (Fixed Forward) و آتی اختیاری (Option Forward) تقسیم بندی میشود. در معاملات آتی ثابت تاریخ تحویل دهی ارز مورد معامله مشخص بوده اما در معاملات آتی اختیاری، مشتری که با بانک قرارداد آتی ارزی عقد نموده است، فرصت دارد که تا سررسید طبق نرخ مبادله توافق شده به انجام معامله اقدام نماید. چنانکه مشتری تا سررسید نسبت به تحویل و تحول ارز با بانک اقدام نکند نرخ مبادله توافق شده معتبر نخواهد بود و بانک با نرخ جدید با مشتری وارد معامله خواهد شد. با توجه به اینکه بازار ارز از بازار نقدی و بازار آتی ارز تشکیل می گردد، لذا نرخ مبادله نیز یا نقدی است یا نرخ آینده ارز می باشد.

نظام های نرخ مبادله:

هر کشور از طریق طرز کار و یا میکانیزم های متفاوتی، ارزش پول اش را اداره نموده و با تعیین نظام یا سیستم نرخ مبادله تجارت خارجی و ذخایر ارزی خویش را مدیریت میکند. ارزش پول یک کشور نشاندهنده برابری پول آن با سایر کشور ها بوده و به همین ترتیب نرخ مبادله نشاندهنده ارزش یک پول در برابر پولهای دیگر است. به این گونه ارزش پول یک کشور بیانگر عملکرد و قوت شاخص های اساسی اقتصادی آن میباشد. رژیم های نرخ مبادله با سیاست های پولی ارتباط داشته و عبارت از روشی های اند که هر اقتصاد بواسطه آن ارزش پول خود را در برابر ارزهای خارجی مدیریت می نمایند.

هر چند عوامل اساسی در تعیین نرخ مبادله در هر اقتصاد عرضه و تقاضا میباشد، اما با آنهم دولتها با استفاده از امکانات موجود و ابزار های سیاست پولی بانکهای مرکزی، میتوانند به روشهای مختلف آنرا تحت تأثیر قرار داده و مدیریت نمایند. مزید بر آن اندازه و چگونگی مداخله بانکهای مرکزی در بازارهای ارزی، نظام های متفاوت نرخ مبادله را مشخص میسازد. در این بخش ما نظام های موجود نرخ مبادله را توضیح داده و تأثیرات آنها را در اقتصاد ملی ارزیابی مینماییم. بصورت کلی سه نوع نظام عمده نرخ مبادله در جهان وجود دارد. در یک نظام، نرخ مبادله ذریعه قوه عرضه و تقاضا در بازار و بدون مداخله دولت تعیین میگردد. تعیین ارزش یک پول در مقابل پول دگر به اساس نوسان عرضه و تقاضای ارز ها صورت میگیرد. در یک نظام دیگر، ارزش ارز ها توسط قوه بازار تغییر می یابند اما دولت در بازار های پولی برای تحت تأثیر قرار دادن نرخ مبادله مداخله مینماید و در یک نظام دیگر، دولت ارزش ارزها را در برابر یکدیگر یا با مداخله در بازار و یا هم سیاست های تنظیمی و نظم دهنده تعیین مینماید.

۱- نظام نرخ مبادله ثابت (Fixed Exchange Rate System):

در نظام نرخ مبادله ثابت، بانک مرکزی نرخ مبادله پول ملی را در مقابل یک و یا چند ارز خارجی تعیین می نماید. این نظام به اساس تصمیم گیری و فیصله بانک مرکزی و مقامات پولی مورد اجراء قرار گرفته و عوامل اقتصادی در آن نقش ندارد. در نظام نرخ مبادله ثابت، نرخ مبادله دو ارز به اساس سیاست اقتصادی- تجاری دولت تعیین میشود. زیر عنوان نظام نرخ مبادله ثابت، دو نوع دیگر نیز وجود دارد. یکی نظام نرخ مبادله ثابت مطلق و دیگر نظام نرخ مبادله ثابت نسبی یا نیمه ثابت. در نظام نرخ مبادله ثابت مطلق، بانک مرکزی در بازار ارز جهت ثابت نگه داشتن نرخ مبادله در محدوده هدف تعیین شده مداخله کرده و نمیگذارد که نوسانات نرخ ارز از نرخ و یا حد وسطی آن تجاوز نماید. در حالیکه در نظام نرخ مبادله ثابت نسبی، نرخ مبادله در محدوده ی پذیرفته شده ی آن نوسان نموده و مزید بر آن نرخ سود در این نظام جهت حصول هدف نرخ مبادله تعیین میشود. شایان ذکر است که در نظام نرخ مبادله ثابت، نرخ مبادله بصورت دائمی ثابت باقی نمانده بلکه نرخ در وقت مناسب آن غرض رفع عدم توازن اساسی در بیلانس تأدیات میتواند تغییر داده شود. میکانیزم های متعددی وجود دارند که توسط آن نرخ مبادله ثابت حفظ میشوند که در ذیل بعضی از آنها توضیح گردیده است.

-نظام معیار کالا (Commodity Standard System): در نظام معیار کالا، کشور ها ارزش واحد های پولی شانرا در تناسب با بعضی از کالاها و یا یک کالای مشخص تعیین می نمایند. برای ده ها سال، ارزش بسیاری از ارزها در تناسب با ارزش طلا تعیین میشد. بگونه مثال، اگر قیمت یک اونس طلا در امریکا معادل ۲۰ دالر تعیین میگردد، این مفهوم را افاده میکرد که دولت امریکا متعهد به معاوضه یک اونس طلا با ۲۰ دالر بود. حال فرض میکنیم که اگر نرخ مبادله بین پوند استرلینگ و طلا برابر با ۵ پوند در مقابل یک اونس طلا باشد، در اینصورت با یک اونس طلا، ۵ پوند و یا ۲۰ دالر معاوضه گردیده و در حقیقت یک پوند معادل ۴ دالر بوده و با آن مبادله میگردد. فلذا هیچکسی خواهش پرداخت بیشتر از ۴ دالر را برای خریداری ۱ پوند ندارد. زیرا ۴ دالر همیشه میتواند با ۵/۱ اونس طلا معاوضه گردد، و یا برعکس ۵/۱ اونس طلا میتواند با ۱ پوند معاوضه گردد. و همچنان هیچکسی یک پوند را کمتر از ۴ دالر بفروش نمیرساند. تحت نظام معیار طلا، مقدار پول توسط مقدار طلا در یک کشور تنظیم میگردد. بطور مثال اگر ایالات متحده امریکا تضمین مینمود که دالر را در مقابل طلا به نرخ ۲۰ دالر معادل ۱ اونس معاوضه مینماید، نمیتوانست که پول بیشتر از طلای که برای پشوانه دارد، نشر نماید.

بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۴ و با پیگیری تلاشها برای بهبود عملکرد اقتصادی جهان، کنفرانس برتین وودز روی نظام ارزی متکی به طلا تأکید ورزیده و پیشنهاد نمود تا ارزش پول هر کشور بر اساس اندازه ذخایر طلای آن تعیین گردد. اتخاذ این تصمیم در آن زمان در بهبود اقتصاد جهانی به ویژه ثبات ارزش پولی، تجارت خارجی، هدف قراردادن تورم پولی و رشد اقتصاد کشورهای عضو، ممد واقع گردید. در نظام معیار طلا، انکشاف تجارت خارجی باعث تقویت ذخایر طلای یک کشور شده و ارزش پول آنرا افزایش میداد. در نظام نرخ مبادله ثابت که از سال ۱۹۴۴ الی ۱۸۷۱ در اقتصادها حاکم بود، نرخ مبادله اساساً قابل پیش بینی و با ثبات بود. این سیستم در سال ۱۹۴۴ که در کنفرانس برتین وودز ایجاد گردید، مستلزم این بود که ایالات متحده امریکا باید یک رابطه ثابت را بین دالر و نرخ رسمی طلا حفظ نماید و سایر کشورها باید یک رابطه ثابت را بین پولهای خودشان و دالر نگهداری نمایند.

بر اساس توافق برتین وودز هر اونس طلا برابر با ۳۵ دالر تثبیت شده بود. امریکا تضمین نموده بود که قیمت هر اونس طلا برابر ۳۵ دالر امریکایی در بازار حفظ کرده و اگر قیمت طلا افزایش یابد، در بازار مداخله نماید. اما این تضمین تهدیدی برای ذخایر طلای امریکا بود. علاوه بر اینکه ذخایر طلای امریکا بمنظور ادای تعهدات این کشور به بانکهای مرکزی کشورهای عضو صندوق بین المللی پول مورد استفاده قرار میگرفت، بلکه سفته بازان خصوصی نیز موجب افزایش قیمت دالری طلا شده و تعهداتی را برای طلای امریکا بوجود می آورند. با توجه به محدودیت ذخایر طلای امریکا و نیز افزایش تعهدات این کشور بود، که در مارچ ۱۹۶۸ اعلان کرد که به دارندگان خصوصی دالر، طلا فروخته نخواهد شد. البته در آن زمان بازار طلا به دو بخش، بخشی که در آن طلا به وسیله بانکهای مرکزی کشورهای خارجی و یا وزارت خزانه داری امریکا نگهداری میشد و بخشی که در آن طلا بطور خصوصی نگهداری میشد، تقسیم شده بود. امریکا بمنظور ادای تعهداتش خرید و فروش طلا در معاملات با بانکهای مرکزی کشورهای دیگر را به قیمت هر اونس ۳۵ دالر که قبلاً تعیین گردیده بود، ادامه میداد؛ اما این کشور نتوانست که قیمت طلایی را که بطور خصوصی نگهداری میشد، برای مدت طولانی حفظ نماید. در هر حال بر اساس این سیاست از سال ۱۹۶۸ الی ماه اگست ۱۹۷۱ امریکا مقدار کمی از طلاهایش را از دست داد.

علاوه بر این، با توجه به قابلیت تبدیل دالر به طلا و نیز قیمت گذاری زیاد دالر، تجارت کالاهای صنعتی امریکا در وضعیت رقابتی نا مساعدی قرار گرفت. هزینه مربوط به دستمزد با توجه به افزایش نرخ تورم پولی و تعدیل آن در رابطه با تورم در حال افزایش بود. در چنین شرایطی بود که تولید کنندگان خارجی، فشارهای سیاسی به رئیس جمهور نیکسون را برای انجام اقداماتی بمنظور جلوگیری از کاهش کالاهای صادراتی افزایش دادند. این نظام با در نظر داشت مسئله کمبود تولید و عرضه طلا در جهان در مقایسه با نیاز رو به افزایش به سیالیت، باعث گردید تا مطرح ترین ارز بین المللی آن زمان یعنی دالر امریکایی در پهلوی ذخایر طلای یک کشور بعنوان پشتوانه پول آن مورد تطبیق در کشورهای پیشرفته صنعتی قرار گیرد. بعداً در ۱۵ اگست سال ۱۹۷۱، ایالات متحده امریکا قابلیت معاوضه دالر را به طلا بصورت غیر مترقبه لغو اعلام کرد. این امر منجر به فروپاشی این نظام گردید و باعث شد تا دالر منحصراً یک ارز اعتباری یا بدون پشتوانه گردد. این عمل به نام تکان یا شاک نیکسون منسوب شده و حالتی را به وجود آورد که در آن دالر ایالات متحده امریکا منحصراً یک ارز ذخیره توسط بسیاری از دولتها قرار گرفت و در عین زمان نظام نرخ مبادله شناور آزاد جاگزین نظام نرخ مبادله ثابت گردید.

-نظام نرخ مبادله ثابت ذریعه مداخله: موافقتنامه برتین وودز خواستار ثابت بودن نسبی ارزش هر ارز در برابر سایر ارزها بود. میکانیزم حفظ این نرخها با مداخله دولت و بانکهای مرکزی در بازارهای پولی کار مینماید. نرخ مبادله ثابت مزیت پیش بینی ارزش ارز را به همراه دارد. برای کارایی نظام نرخ مبادله ثابت، کشوری که از آن پیروی میکند باید شرایط اقتصاد ملی خود را به گونه ای حفظ کند تا تعادل ارزش ارز را نزدیک به نرخهای ثابت نگهداری کند. وقتی که نرخ مبادله ثابت باشد اما سیاست های پولی و مالی با هم هماهنگ نباشند، نرخ مبادله تعادلی میتواند تا از سطح تعیین شده آن انحراف نماید.

مزایای نظام نرخ مبادله ثابت:

-جلوگیری از نوسانات ارزی: اگر ارزش ارز بصورت قابل ملاحظه ای نوسان کند، موجب این میشود تا شرکتهای که در بخشهای صادراتی و وارداتی فعالیت دارند، متضرر گردند. بگونه مثال اگر یک شرکت به ایالات متحده امریکا صادرات داشته باشد، یک افزایش در قیمت افغانی، باعث این میشود که اموال صادراتی افغانستان نتواند از لحاظ قیمت در بازارهای امریکا رقابت کند و یا اگر یک شرکت به واردات مواد خام متکی باشد، کاهش ارزش پول ملی باعث افزایش قیمت تمام شد واردات مواد خام و در نهایت قیمت تمام شده تولیدات آن شده که به این ترتیب مفاد آنرا میتواند کاهش دهد. بناً جلوگیری از نوسان ارزش میتواند تا برنامه ریزی و فعالیتهای شرکتهای در اقتصاد دقیق تر و بهتر سازد.

- **تشویق سرمایه گذاری:** ثابت بودن نرخ مبادله باعث میشود که سرمایه گذاران با پیش بینی های دقیق در یک کشور برای سرمایه گذاری برنامه ریزی کنند. همچنان ثابت بودن نرخ مبادله، در جلوگیری از استفاده ارزهای خارجی در اقتصاد یک کشور در معاملات یومیه و محو دالری سازی خیلی مفید واقع میشود. زیرا مردم هنگامی بیشتر ترجیح میدهند که دارایی های مالی شانرا به ارزهای خارجی تبدیل نموده و ذخیره ارزش نمایند که نسبت به ثبات ارزش پول ملی شان تردید بیشتر داشته باشند.

- **تورم پولی پایین:** نرخ مبادله ثابت توقعات تورم پولی را در اقتصاد کاهش میدهد. دولتهای که نرخ مبادله شانرا اجازه میدهند تا کاهش یابد، شاید باعث فشارهای تورمی در اقتصاد شان گردد. به دلیل اینکه تقاضای مجموعی افزایش یافته و قیمت واردات افزایش می یابد و تصدیها انگیزه کمتر برای کاهش هزینه ها دارند.

- **توسعه تجارت بین المللی:** نرخ مبادله ثابت اطمینان را در رابطه به پرداختهای خارجی تأمین کرده و اعتماد را میان وارد کننده گان و صادر کننده گان بیشتر ساخته و قوت میبخشد که با این کار تجارت بین المللی رشد بیشتر یافته و تقویت میگردد. بعضی اقتصاددانان بر این باور اند که نرخ مبادله ثابت مزایای قابل ملاحظه دارد. اگر نرخ مبادله در یک افق داده شده زمانی ثابت باشد، شرکتهای صادراتی قادر خواهند بود تا بدون بیم از نوسانات منفی نرخ مبادله، برنامه های صادراتی شانرا به پیش برند. این امر سرمایه گذاری بین کشور ها را تشویق نموده و در دراز مدت رشد پایداری اقتصادی را تضمین می نماید. علاوهً نوسانات نرخ مبادله باعث خواهد شد تا عرضه کننده قرضه در اقتصاد و سرمایه گذاران برای دراز مدت قرضه ندهد و سرمایه گذاری نکنند.

- **ثبات اقتصادی:** نرخ مبادله ثابت، ثبات اقتصاد ملی را تضمین نموده و از تغییرات توجیه ناشدنی قیمت در اقتصاد جلوگیری میکند. در نظام نرخ مبادله شانور، رجحان نقدینگی بلند بوده زیرا سرمایه گذاران میخواهند تا از نوسانات نرخ مبادله منفعت ببرند که این امر سبب افزایش قیمت و احتکار در اقتصاد یک کشور میشود.

- **جلوگیری از سفته بازی:** از لحاظ نظری بعضی از اقتصاددانان بر این باورند که نظام نرخ مبادله ثابت سفته بازی را از میان بر میدارد. زیرا منفعتی برای خرید و فروش ارز برای سفته بازان وجود نمیداشته باشد.

- **ضرورت برای کشورهای کم نفوس:** نرخ مبادله ثابت برای کشورهای کم نفوس، بیشتر اساسی است مانند دنمارک، ناروی و بلجیم که در اقتصاد آنها تجارت خارجی نقش اساسی دارد. نوسانات نرخ مبادله بصورت جدی روند رشد اقتصادی آنها را متأثر خواهد ساخت. نرخ مبادله ثابت در کاهش کسر بیلانس تأدبات با در نظر داشت امکانات ارتجاعیت تقاضا نظر به قیمت برای صادرات و به همین گونه برای واردات بقدر کافی بلند باشد، کمک میکند.

- **نرخ مبادله ثابت یک نظم قوی را بالای شرکتهای داخلی و کارگران اعمال مینماید تا قیمتهای شان را به غرض رقابت در بازار های بین المللی حفظ کنند.** این امر دولت را در حفظ تورم پولی پایین که در دراز مدت باعث کاهش نرخ سود و افزایش تجارت و سرمایه گذاری میشود، کمک میکند.

ضعفهای نظام نرخ مبادله ثابت:

- **عدم توازن حساب جاری:** نرخ مبادله ثابت میتواند منجر به عدم توازن حساب جاری (بیلانس تجارت) یک کشور گردد. بطور مثال یک نرخ مبادله بلند تر، باعث قیمت تمام شدن اجناس صادراتی یک کشور در بازارهای خارجی شده و در نتیجه از درجه کاهش عواید صادراتی، حساب جاری یک کشور را دچار کسر میسازد.

- **ضرورت به ذخایر ارزی بیشتر:** برای ثابت نگهداشتن ارزش پول ملی، دولت باید ذخایر اسعاری بیشتر در اختیار داشته باشد تا در صورتیکه ارزش پول ملی کاهش یابد، بانکهای مرکزی باید دوباره آنرا تعدیل نمایند. این کار برای کشورهای که تجارت خارجی خوبی ندارند و بیشتر متکی به واردات هستند، گران تمام میشود. علاوهً لازم به تذکر است که نظام نرخ مبادله ثابت نمی تواند در مقابل تکانها یا شاکهای حقیقی اقتصاد مقاومت نموده و به آن پاسخ دهند.

- **تضاد با سایر اهداف:** نگهداری نرخ مبادله ثابت میتواند با سایر اهداف اقتصاد ملی در تضاد واقع شود. اگر ارزش یک ارز بیشتر از حد تعیین شده آن کاهش یابد، بانک مرکزی باید در بازار مداخله نماید. در اینصورت بانک مرکزی با جمع آوری پول ملی از بازار و بالمقابل تزریق اسعار، ارزش مبادلوی پول ملی را افزایش میدهد. اما این اقدام میتواند که تنها در کوتاه مدت مفید باشد. یگانه وسیله مؤثر برای افزایش ارزش پول عبارت از بلند بردن نرخ سود است زیرا افزایش نرخ سود باعث افزایش ورود سرمایه شده و فشارهای تورمی را کاهش میدهد. هر چند نرخ سود بلند تر باعث کاهش تقاضای مجموعی و رشد اقتصادی میگردد، اما اگر اقتصاد آهسته رشد کند، این امر میتواند منجر به رکود و افزایش بیکاری گردد.



۲- نظام نرخ مبادله شناور (Floating Exchange Rate System):

در نظام نرخ مبادله شناور، ارزش یک ارز توسط عناصر بازار تعیین میگردد. بگونه مثال، در بازار های ارزی، به تعداد زیادی از بانکها، شرکتها، و نهاد ها در صدد خرید و فروش ارز جهت تصفیه معاملات ارزی شان بوده و علاوهً معاملات اربیتراژ، سفته بازی و معاملات تأمینی ارز (هیجینگ) در بازار های ارزی صورت گرفته که به این شکل عرضه و تقاضای ارز شکل گرفته و از تقاطع آنها نرخ مبادله برای ارزهای گوناگون مشتق میگردد. تقاضای بلند برای یک ارز مشخص، در صورتیکه سایر عوامل ثابت باشد، منجر به افزایش قیمت همان ارز میگردد. به همین ترتیب، تقاضای کمتر، منجر به کاهش قیمت یک ارز میگردد. افزایش در عرضه یک ارز در صورتیکه سایر عوامل ثابت فرض گردند، منجر به کاهش قیمت آن گردیده در حالیکه کاهش در عرضه آن باعث افزایش قیمت آن ارز میگردد.

اساساً در نظام نرخ مبادله شناور، دو نوع متفاوت نرخ مبادله شناور وجود دارد، نرخ مبادله شناور آزاد و نرخ مبادله شناور مدیریت شده که در ذیل هر دوی آنها به تشریح گرفته شده اند.

- نرخ مبادله شناور آزاد (Free Floating Exchange Rate System): در صورت نرخ مبادله شناور آزاد نرخ مبادله بصورت آزاد و بر اساس عرضه و تقاضا در بازارهای ارز تعیین گردیده و جریان تجارت و سرمایه عامل اساسی که نرخ مبادله را متأثر میسازد، میباشد. به این گونه، خصوصیت اساسی نرخ مبادله شناور آزاد این است که نرخ مبادله توسط عوامل بازار تعیین میگردد. مقامات پولی میتوانند نرخ سود را جهت حصول اهداف اقتصاد ملی در دراز مدت مورد استفاده قرار داده و نیز از طریق تغییر در نرخ سود، ارزش پول را تعیین کنند.

مفهوم کلی نظام نرخ مبادله شناور آزاد بصورت کل یک موضوع نظری است. در حالیکه در عمل، بانکهای مرکزی و دولت ها در بازارهای ارز مداخله نموده تا نرخ مبادله را تحت تأثیر قرار دهند. اما میتوان گفت که این مداخله در بازارها در سطح ناچیز بوده و بصورت همیشگی اتفاق نیافتاده بلکه به اساس ملحوظات تجارت خارجی و بعضاً مداخله صورت میگیرد. بعضی از کشور ها و در رأس ایالات متحده امریکا پیشتر این نظام نرخ مبادله در جهان بوده و مزید بر آن به اندازه خیلی کم در بازارهای ارزی مداخله نموده، به این اساس، نظریه نظام نرخ مبادله شناور آزاد بیشتر برگرفته شده از موجودیت چنین یک نظامی در ایالات متحده میباشد. این نظام بیشتر خاصه کشورهای پیشرفته جهان بوده و این مزیت را با خود دارد که بگونه خودکار تنظیم شده و ضرورت به مداخله دولت در آن احساس نمیشود. علاوهً قوه بازار نیز از نوسانات بزرگ و حاد عرضه و تقاضا جلوگیری می کند.

مشکل اساسی در نظام نرخ مبادله شناور آزاد به چگونگی غیر قابل پیش بینی بودن نرخ ها در نتیجه نوسانات آنها خلاصه میشود. قرارداد ها میان خریداران و فروشندگان در کشورهای مختلف نباید تنها به تغییرات ممکن در قیمتها و سایر عوامل در مدت اعتبار این قرارداد ها عقد شود، بلکه آنها باید امکانات تغییرات نرخ مبادله را نیز مدنظر قرار دهند. نوسانات نرخ مبادله معاملات بین المللی را بیشتر پُر خطر ساخته و باعث افزایش هزینه های تجارتی با سایر کشور ها میگردد.

مزایای نرخ مبادله شناور آزاد:

- چگونگی ذخایر ارزی: ذخایر ارزی بصورت کل برای کمک به حفظ ارزش مبادلوی یک ارز و پرداختهای خارجی بکار میرود. اگر یک ارز بصورت آزاد شناور باشد، در اینصورت ضرورت چندانی به ذخایر ارزی به هدف تحت تأثیر قراردادن ارزش مبادلوی ارز داخلی نمیشد. اما در جهان حقیقی، بانکهای مرکزی همیشه ذخایر ارزی ای را در اختیار میداشته باشند تا در صورت بحران و یا هم کسر در بیلانس تأدیات و یا هم افزایش و یا کاهش ارزش پول ملی شان از آن استفاده کنند.

- آزادی بیشتر روی پالیسی داخلی: اگر دولت نرخ مبادله را کنترل نکند، در اینحال میتواند که نرخ سود را کنترل کند.

- تعادل بیلانس تأدیات: نوسانات در نرخ مبادله میتواند یک تعادل خودکار را برای کشور های با کسر بزرگ بیلانس تأدیات فراهم سازد. مزیت بزرگ دگر این سیستم این است که بانک مرکزی در تعیین نرخ سود از آنجائیکه از نرخ سود برای تحت تأثیر قرار دادن نرخ مبادله استفاده نمیگیرد، کمک میکند.

ضعفهای نظام نرخ مبادله شناور آزاد:

- عدم اطمینان: مزیت کلان نرخ مبادله ثابت عبارت از ثبات و اطمینان است. که این امر در افزایش سرمایه گذاری و تجارت ممد واقع میشود. به همین ترتیب بزرگترین ضعف نرخ مبادله شناور عبارت از عدم اطمینان بوده که میزان افزایش و رشد سرمایه گذاری و تجارت را کاهش میدهد. شرکتها غالباً از بازارهای پولی غرض تأمین نوسانات بزرگ نرخ مبادله استفاده می کنند که تا قدری کمک شان می کند اما با آنها هم عدم اطمینان بیشتر موجود میباشد. بنأ سايه افکنی شرایط عدم اطمینان ناشی از نوسانات نرخ مبادله میتواند انگیزه ی سرمایه گذاری را در اقتصاد کاهش دهد.

– سفته بازی: از اینکه در تحت شرایط نظام نرخ مبادله شناور آزاد، نرخ مبادله دارای نوسان می باشد، سفته بازان با مطالعه بازار و تجارب حاصله از نوسانات ارزی، دست به سفته بازی ارز میزنند که میتواند روی تغییر نرخ ها و تقاضای غیر مؤثر به ارز، تأثیر نامطلوب بجا گذارد.

– نرخ مبادله شناور مدیریت شده: بانکهای مرکزی غالباً دنبال افزایش و یا کاهش نرخ مبادله شان با خرید و فروش پول ملی شان میباشند. نرخ مبادله در این نظام در گُل بصورت آزاد شنا مینماید، اما بانکهای مرکزی با مداخله در بازار تلاش مینمایند تا نوسانات نرخ را حسب نیاز در محدوده تعیین شده آن نگهداشته و مدیریت نمایند. به اینصورت، نرخ مبادله شناور مدیریت شده در حقیقت ترکیبی از نظام نرخ مبادله ثابت و نظام نرخ مبادله شناور می باشد.

کشورهای که از این نظام نرخ مبادله پیروی می نمایند، وقتاً فوقتاً در بازارهای ارز به غرض افزایش و یا کاهش ارزش پول ملی شان مداخله مینمایند. اساساً هدف از همچو مداخله جلوگیری از نوسانات حاد و بزرگ ناگهانی ارزش پول ملی شان می باشد. چنین مداخله ای احتمالاً تأثیر کمتری میداشته باشد. تقریباً به ارزش در حدود ۱.۵ تریلیون دالر روزه در بازارهای جهان بین مردم و سازمانها مبادله میگردد، در اینصورت مشکل به نظر میرسد که یک مؤسسه حتی به سطح دولت امریکا و یا هم بانک مرکزی آن بتواند تا تغییرات قابل ملاحظه را در نرخ مبادله وارد نماید. هنوز، دولتها و یا بانکهای مرکزی بعضی اوقات میتوانند که نرخ مبادله شان را متأثر سازند. فرضاً اگر ارزش پول یک کشور بصورت سریع افزایش یابد، بانک مرکزی و یا دولت شاید در صدد مانع افزایش بیشتر آن به غرض جلوگیری از کاهش عمده صادرات خالص شان گردد.

۳- نظام چند نرخی ارز (Multiple Exchange Rate System):

یکی از موضوعات مهم دگر که در ساحه عمل در اقتصاد بعضی از کشورها به مشاهده میرسد عبارت از موجودیت نظام های چند نرخ ارز می باشد که اساساً از همچو یک نظام ارزی برای برطرف نمودن مشکلات بیلانس تأدیات استفاده میشود. در تحت این گونه نظام های ارزی، بانک مرکزی یک یا دو نرخ رسمی را به روشی کنترل نموده و میگذارد که نرخ آزادی که بصورت شناور تعیین شده و معمولاً در سطح بالاتری از نرخهای رسمی قرار دارد، وجود داشته باشد. کشورهایی که با کسر بیلانس تأدیات مواجه اند بجای انجام اقدامات جهت تعدیل نظام یک نرخ ارز، با بکارگیری سیاستهای محدود سازی تقاضا برای رفع کسر بیلانس تجارت شان، از این نظام ارزی استفاده مینمایند که به گونه مثال میتوان از وینزویلا یاد نمود.

بعضی از اقتصاددانان به این باور اند که نظام چند نرخ ارز منحصراً یکی از روشهای خیلی مؤثر برای اصلاح عدم تعادل بیلانس تأدیات بوده و علاوه بر این نظام از تولیدات و صنایع ملی حمایت شده و قدرت رقابت آنها را افزایش میدهد. چون با افزایش تولیدات و صنایع ملی، انگیزه برای سرمایه گذاری ها به میان می آید، بنا میتوان انتظار داشت که جریان ورود سرمایه تشویق گردیده و در نتیجه کسر بیلانس تأدیات کاهش می یابد. عده ای دیگر از اقتصاددانان با وجود پذیرفتن مزیت های نظام چند نرخ ارز معتقدند که نظام چند نرخ ارز در ساحه عمل نمیتواند که برای همیشه کسر بیلانس تأدیات را بهبود بخشد. هر چند این نظام کسر بیلانس تأدیات را کاهش داده اما در حقیقت امر این نظام نیروهای تعدیل کننده اقتصاد ملی را به دلیل نرخهای غیر تعادلی که باعث عدم تخصیص مؤثر منابع اقتصادی میشود، عقیم کرده و به این ترتیب مانع وارد شدن تغییرات بنیادی مورد نیاز و تعیبه مؤثر امکانات تولید میشود.

گروهی دیگر اقتصاددانان با پیچیده خواندن این نظام و از ایجاد یک بستر نامطمئن در بازارهای ارز با پیروی از این نظام ارزی در اقتصاد انتقاد و علاوه میکنند که از آنجائیکه دولت بطور دلخواه برای کالای مختلف نرخهای متفاوت را تعیین میکند و عملاً چنین نرخها واقعی نمیشوند، چنین سیاستی موجب بی اعتمادی در میان متشبین و تجار شده و به این گونه، نرخ مبادله ممکن است هر وقت از سوی بانک مرکزی تغییر کند. هر چند تطبیق نظام چند نرخ ارز آسانتر است، اما بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که تطبیق مالیات و تعرفه های گمرکی میتواند که یک راه حل مؤثر تر و شفاف برای کشور های که به مشکلات کسر بیلانس تأدیات مواجه اند، باشد.

باوجودی که نظام چند نرخ ارز به شکل یک راه حل سریع و مناسب برای مشکلات به نظر میرسد، اما پیامدهای نامطلوب را نیز به همراه دارد. زیرا بخشهای بازار وظایف خود را تحت شرایط یکسان نمیتواند انجام دهد. همچو یک نظام ارزی باعث انحراف اقتصاد و تخصیص غیر مؤثر منابع میگردد. به گونه مثال، اگر یک صنعت مشخص در بازار صادراتی یک کشور یک نرخ مبادله دلخواه برای صادرات آن داده شود، در اینصورت این صنعت تحت شرایط مصنوعی رشد می نماید. منابع تخصیص داده شده به این صنعت لزوماً بازتاب دهنده ضرورت واقعی آن نبوده زیرا عملکرد آن بصورت غیر طبیعی افزایش یافته است. مفاد بدست آمده در این حالت نیز دقیقاً انعکاس دهنده عملکرد، کیفیت و یا عرضه و تقاضا نمیشد. فعالین و یا مشترکین این سکتور، بصورت اضافی و بی جهت پاداش بهتر به مقایسه مشترکین سایر بازارهای صادراتی داده میشوند. به این گونه اختصاص مطلوب و بهینه منابع در اقتصاد نمیتواند حاصل شود.

ارزیابی نظام های مختلف نرخ مبادله:

بر اساس عملکرد عنعنوی، نظام نرخ مبادله ثابت سبب پایین آمدن مصارف مبادلاتی و خطرات نرخ مبادله شده و از همه مهمتر اینکه یک وسیله مؤثر برای سیاست پولی و کنترل تورم پولی میباشد. در پهلوی آن نظام نرخ مبادله شناور امکان اتخاذ و اجرای سیاستهای پولی مستقل و رهبری اقتصاد ملی را میسر میسازد. اگر یک اقتصاد بخواهد رقابت بین المللی خود را جهت بهبود وضعیت بیلانس تأدیات افزایش دهد، بهتر است که تا به عوض قیمت ملیون ها کالا و خدمات، نرخ ارز را تغییر دهد. علاوه بر نرخ مبادله شناور در برابر تکنهای مؤقتی در اقتصاد به خوبی پاسخ میدهد. اما با آنهم چون نرخ مبادله شناور نوسانات بالایی را نیز به همراه دارد، سبب کاهش اطمینان و نتیجتاً کاهش سرمایه گذاری و تجارت خارجی میگردد. موضوع مهم در عملکرد عنعنوی، مسئله تغییر پذیری نرخ مبادله در کوتاه مدت بوده و آنچه با اهمیت تر بوده و پیامدهای جدی خواهد داشت عبارت از نوسان در بلند مدت یا عدم تعادل (انحراف طولانی نرخ مبادله از نرخ تعادلی) بوده که نتیجه آن بمیان آمدن گران و ارزان بودن پول است. توسط ارزیابی پول، استطاعت مالی دولت کاهش می یابد. زیرا ارزش بدهی های خارجی افزایش یافته و تورم در نتیجه افزایش قیمت واردات بوجود آمده و در نهایت تولید کاهش خواهد یافت. در نتیجه سرمایه گذاری ها کاهش یافته و نرخ های شناور عامل این عدم تعادل خواهد شد. با در نظر داشت نکات فوق، انتخاب نظام نرخ مبادله ثابت و یا هم شناور آزاد، چالش ها و مشکلات جدی را به همراه داشته هر چند هر دو نظام مزایا و ضعفهای خود را جهت تأمین ثبات اقتصادی داشته، بنأ پیروی از یک نظام نرخ مبادله که در حد وسطی این دو نظام باشد، موفقیت بیشتری را احتمالاً در برداشته و شاید توانمندی پاسخگویی بهتر را در برابر تکنهای کوتاه و دراز مدت اقتصادی که نرخ مبادله ذریعه آن متأثر شده و باعث گسترش نارسایی ها در عملکرد اقتصاد ملی گردد، داشته باشد.

موضوعات پالیسی در انتخاب نظام نرخ مبادله:

بجز در نظامهای نرخ مبادله شناور و ثابت، مدیریت فعال نرخ مبادله یک امر ضروری میباشد. مقامات پولی تلاش مینمایند تا نرخ مبادله را بغرض حفظ اقتصاد ملی با قدرت رقابتی قوی در تجارت بین المللی، کنترل نمایند. با فراهم نمودن یک وسیله قوی پالیسی، مدیریت فعال در کشورهای در حال انکشاف میتواند که نوسانات نامطلوب نرخ مبادله را بغرض کمک برای تحت تأثیر قرار دادن بیلانس تأدیات، جریان تجارت، سرمایه گذاری و تولید تصحیح کنند. هر چند این یگانه موضوع در انتخاب رژیم نرخ مبادله نیست، اعتبار مقامات پولی، تحولات و اختلاف میان نرخ مبادله و آسیب پذیری رژیم در برابر بحران ها از جمله موضوعات مهم در تعیین رژیم نرخ مبادله است.

عوامل اثر گذار بالای نرخ مبادله: در تعیین نرخ مبادله، عوامل مختلف نقش داشته که عامل تجارت خارجی یک کشور منحصی یکی از عوامل اساسی پنداشته میشود. باید یاد آور شد که نرخ مبادله یک موضوع نسبی بوده و به گونه مقایسه پول دو کشور بیان میشود. همچنان نظریات زیادی در رابطه به عوامل تعیین کننده نرخ مبادله وجود دارند. در اینجا، عوامل عمده ای را که بیشترین اقتصاددانان روی آن توافق نظر دارند، به تشریح می گیریم.

- عرضه و تقاضا: نرخ مبادله نیز مانند کالا ها بر اساس نیروی عرضه و تقاضا تعیین میگردد. در اینحال اگر تقاضا به یک ارز افزایش یابد، قیمت آن افزایش می یابد. البته این در صورتی است که عرضه ثابت فرض شود. برعکس اگر عرضه نیز همزمان افزایش یابد در حالیکه تقاضا ثابت باشد، قیمت ارز کاهش می یابد. عرضه اضافی (بالای نقطه تعادل) و تقاضای اضافی (پایین نقطه تعادل) باعث کاهش و یا افزایش ذخایر ارزی خواهد شد. در نهایت این عدم تعادل از طریق قیمت گذاری بازار میتواند حذف شود.

- کسر حساب جاری: حساب جاری عبارت از بیلانس تجارت یک کشور با شرکای تجارتي آن بوده که بازتاب دهنده تمام پرداختهای یک کشور با سایر کشورها میباشد. کسر در حساب جاری بیانگر اینست که مصارف اسعاری یک کشور در مقایسه با عواید اسعاری آن از ناحیه تجارت بیشتر است. به عبارت دیگر، همچو یک کشور نیازمند بدست آوردن اسعار خارجی بیشتر از آن اندازه ای که از صادرات خود بدست می آورد میباشد. تقاضای اضافی و بیشتر به ارزهای خارجی باعث کاهش ارزش مبادلوی یا نرخ مبادله شده تا اجناس داخلی به خارجی ها ارزانتر تمام شود.

- بیلانس تأدیات: بیلانس تأدیات روش دیگری است که توضیح میدهد کدام عوامل عرضه و تقاضای منحنی ارز یک کشور را تعیین می کند. بیلانس تأدیات روش ثبت تمام معاملات پولی بین المللی یک کشور در یک دوره معین میباشد و یا بیلانس تأدیات یک صورتحساب احصائیوی است که معاملات اقتصادی یک کشور را با کشورهای دیگر در یک مدت معین ثبت می کند. معاملات ثبت شده به سه بخش تقسیم میشوند. حساب جاری، حساب سرمایوی و حساب مالی. کنگوری های مزبور میتواند که یک کسر و یا مازاد را نشان دهد اما از لحاظ نظری، تمام پرداختهای بیلانس تأدیات باید صفر باشد که به ندرت چنین چیزی اتفاق می افتد. زیرا کاهش و یا افزایش ارزش پول میتواند بصورت مستقیم حجم صادرات و واردات یک کشور را متأثر سازد و در نتیجه نوسانات نرخ مبادله میتواند باعث اختلافات و یا عدم توازن در بیلانس تأدیات گردد. بر اساس نظریه مارشال لرنر اقتصاددان معروف، اگر مجموع ارتجاعیت تقاضا نظر به قیمت برای واردات و صادرات بزرگتر از یک باشد، در اینصورت یک کاهش در ارزش پول باعث بهبود حساب جاری بیلانس تأدیات میگردد.

= **نرخ تورم پولی:** منځنۍ یکه اصل عمومي، يکه کشور با نرخ تورم پولی پايين مداوم، افزايش ارزش پول را بدست میآورد. زیرا قدرت خرید آن در مقایسه با سایر ارزها افزایش می یابد. کشورهای با نرخ تورم پولی بلند، کاهش ارزش پول شانرا در برابر سایر ارزها و شرکای تجاری شان شاهد می باشند که در اینصورت نرخ سود نیز در بازارها افزایش می یابد.

= **نرخ سود:** نرخ سود، تورم پولی و نرخ مبادله با هم خیلی زیاد مرتبط اند. با مدیریت نمودن نرخ سود، بانکهای مرکزی بالای تورم پولی و نرخ مبادله تأثیر وارد نموده و تغییر دادن نرخ سود روی تورم پولی و ارزش پول تأثیر وارد میکند. نرخ سود بلندتر برای عرضه کننده اعتبار در اقتصاد، بازده بلند تر را در مقایسه با سایر کشورها فراهم میسازد. از اینرو، نرخ سود بلندتر باعث جذب و ورود سرمایه از خارج شده و سبب افزایش نرخ مبادله میگردد.

= **استقراض دولت:** بعضاً دولتها وقتی با کسر بزرگ مواجه میشوند که پروژه های عامه و مصارف شانرا تمويل نمایند، هر چند این فعالیت ها محرک اقتصاد ملی نیز میباشد. کشورهای با کسر مالی بزرگ و قروض کلانتر، کمتر سرمایه گذاری های خارجی را جذب نموده می توانند. زیرا قروض بزرگ باعث افزایش تورم گردیده و در صورت يکه تورم بلند، قروض به ارزش حقیقی پایتتر پرداخت میگردد. در حالتی وخیم کسری، دولت شاید پول جدید چاپ نموده تا قروض خویشرا بپردازد اما افزایش عرضه پول بدون ضرورت اقتصادی، بصورت مستقیم بالای تورم پولی تأثیر منفی میکند.

= **شرایط و چگونگی مبادلات تجاری:** شرایط مبادلات تجاری به حساب جاری و بیلانس تأدیات ارتباط میگیرد. اگر قیمت صادرات يکه کشور نسبت به واردات آن بیشتر افزایش یابد، مبادلات تجاری آن بهبود می یابد. افزایش مبادلات تجاری تقاضای بیشتر را برای صادرات يکه کشور نشان میدهد که این امر به نوبه خود باعث افزایش عواید صادراتی يکه کشور میگردد. اگر قیمت صادرات يکه کشور به يکه اندازه کمتر نسبت به واردات آن افزایش یابد، ارزش پول کشور مورد نظر در مقایسه به شرکای تجاری آن کاهش مییابد.

= **ثبات سیاسی و عملکرد اقتصاد ملی:** سرمایه گذاران خارجی معمولاً کشور های با ثبات و عملکرد اقتصادی قوی را جهت سرمایه گذاری ترجیح میدهند. يکه کشور با شرایط مناسب، سرمایه گذاری ها را از کشور های بی ثبات تر، جذب می نماید. نابسامانی های سیاسی میتواند که اعتماد مردم را نسبت به پول يکه کشور کاهش داده، دارایی و سرمایه های به ارز های با ثبات تعویض گردد.

عملیات در بازار ارز:

= **آربیتراژ (Arbitrage):** آربیتراژ به آن معاملاتی ارزی گفته میشود که يکه یا چند ارز از جاییکه ارزانتر است خریداری شده و در عین زمان دوباره در جاییکه قیمتتر است به فروش میرسد. یعنی تفاوت نرخ مبادله در دو بازار باعث این میشود که تا يکه تعداد افراد و یا هم سازمانها، يکه ارز را از بازاری که در آنجا نرخ مبادله در مقایسه با بازار دیگر نسبتاً ارزانتر باشد، خریداری نموده و در بازاری که این ارز به يکه نرخ نسبتاً بلند تر به فروش برسد، فروخته شود. عاملان ارزی با عمل آربیتراژ، نرخ ارز را در مکانهای مختلف یکسان می نمایند. در واقع با عمل آربیتراژ میتوان از بازار جهانی ارز صحبت نمود. آربیتراژ ارز زمانی سود آور است که تفاوت مکانی نرخ ارز از هزینه نقل و انتقال ارز بیشتر باشد. بدیهی است تا زمانیکه تفاوت نرخ ارز از هزینه مورد اشاره بیشتر باشد، عمل آربیتراژ سود آور بوده و تداوم خواهد داشت.

= **آربیتراژ سود (Interest Arbitrage):** منظور از آربیتراژ سود نفع از سود بالاتر میباشد، از این رو تفاوت بین نرخ های سود يکه ارز مشخص در دو بازار پولی مختلف، موجب انجام معامله ارزی تحت عنوان آربیتراژ سود می گردد. به عبارت دیگر آربیتراژ سود عبارت است از انتقال وجوه نقد از يکه مرکز پولی و يکه پول به مرکز پولی دیگر به هدف کسب سود از نرخ سود بالاتر از يکه ارز مشخص میباشد. بدیهی است تا زمانیکه تفاوت نرخ سود بین دو بازار پولی وجود دارد، انگیزه برای انجام عملیات ارزی با نام آربیتراژ سود وجود خواهد داشت.

= **معاملات تأمینی ارز (Hedging):** معاملات تأمینی ارز یا هیجنگ ارز در بازارهای آتی ارز انجام میشود. عاملان ارز در بازار آتی ارز به نرخ آتی اقدام به معامله ارزی می نمایند. در واقع در حال حاضر چون ارزها در بازار ارز از ثبات نرخ برابری ارز برخوردار نمیشوند، کسانی که در آینده دریافت یا پرداخت ارزی دارند با این خطر مواجه هستند که به دنبال نوسان نرخ ارزها مبالغ بیشتر یا کمتر یا پول داخلی دریافت یا پرداخت نمایند. عاملان ارزی با هیجنگ خود در مقابل نوسان آتی نرخ ارزها می پوشانند. هیجنگ در بازار ارز بیشتر توسط بازرگانان صادرکننده یا وارد کننده مورد استفاده قرار می گیرد. در واقع تجار وارد کننده اجناس که طبق قرار داد با فروشنده اجناس قرار است شش ماه دیگر قیمت اجناس وارداتی را به ارز بپردازد، با این خطر روبروست که نرخ مبادله در سر رسید افزایش یابد و تاجر وارد کننده مجبور به پرداخت پول محلی بیشتری شود از این رو این تاجر در بازار آتی ارز اقدام به خرید ارز به میزان مورد نیاز به سر رسید شش ماهه با نرخی که همین امروز (نرخ آتی ارز) مورد توافق قرار گیرد، اقدام می نماید تحویل و تحول ارز در سر رسید شش ماه انجام خواهد شد. چنانچه در سر رسید نرخ مبادله افزایش یافته باشد تاجر ارز موصوف را به نرخ توافق شده دریافت خواهد نمود نه نرخ روز (نرخ مبادله نقدی در سر رسید).

—سفته بازی ارز (Speculation): سفته بازی ارز تقریباً مشابه معاملات تأمینی ارز می باشد، با این تفاوت که یک تاجر به قصد انتفاع اقدام به معامله ارزی در بازار آتی ارز می نماید. سفته بازی ارز بیشتر در بازار آتی ارز انجام می گیرد. به طور کلی در حالی که هیجنگ کننده به قصد پوشش از نوسانات نرخ مبادله اقدام به معامله ارزی می نماید، سفته باز ارز خطر نوسانات نرخ مبادله را می پذیرد تا سودی نصیب خود سازد. چنانچه سوداگر ارز نوسانات آتی نرخ مبادله را درست پیش بینی کرده باشد، سود خواهد برد، در غیر آینه صورت ضرر خواهد نمود.

نرخ مبادله و تورم پولی:

اقتصاددانان به این باور اند که بین نرخ مبادله و تورم پولی رابطه مستقیم وجود دارد. نوسانات غیر عادی نرخ مبادله باعث کاهش قدرت خرید در سطح بین المللی میگردد. یعنی با افزایش نرخ مبادله و قیمت اجناس وارداتی، تورم پولی افزایش یافته و تورم پولی به لنگر خود موجب افزایش دوباره نرخ مبادله میگردد. از همین رو است که کوشیده میشود تا نرخ مبادله ثابت نگهداشته شود. زیرا نرخ مبادله قیمت نسبی پول خارجی به پول ملی است و در صورت افزایش آن، کالاهای وارداتی را ارزاتر ساخته و کالاهای صادراتی را قیمت تر میسازد.

برخی از کارشناسان اقتصادی به این نظرند که، نظام نرخ مبادله ثابت به دلیل محدود بودن نوسانات ارزی در مقایسه با نظام نرخ مبادله شناور بهتر بوده و با جلوگیری از تورم پولی بلند، زمینه تولید و سرمایه گذاری را فراهم میسازد. زیرا نوسانات حاد نرخ ارز باعث افزایش خطرات نرخ مبادله برای یک اقتصاد صادراتی گردیده و با مطالعه چگونگی این خطرات، سرمایه گذاری ها کاهش یافته و در نهایت میزان تولید داخلی در نتیجه حالت های تورمی پایین آمده و علاوتاً رژیم های مناسب نرخ مبادله که سبب تقویت ارزش ارز میگردد، کاهش تورم پولی را در پی دارد. از سوی دیگر کشورهای رو به انکشاف با پیروی نظام نرخ مبادله شناور، در صدد از میان برداشتن کنترل قیمتها بوده و به این ترتیب افزایش قیمتها در اقتصاد بمیان میآید. در حالیکه کشورهای با نظام نرخ مبادله ثابت، انگیزه جهت بکارگیری سیاستهای انکشافی وجود دارد.

از فوق بر می آید که نرخ مبادله منحنی یکی از شاخص های اقتصاد ملی نقش خیلی اساسی در اقتصاد ملی و بین المللی داشته و بیانگر شرایط و وضعیت اقتصادی یک کشور بوده و وسیله ای برای مقایسه اقتصاد ملی با اقتصاد سایر کشور ها محسوب میشود. بناً انتخاب نظام و سیاستهای نرخ مبادله با در نظر داشت وضعیت اقتصادی میتواند در روند رشد و انکشاف اثر گذار باشد.

نظام نرخ مبادله د افغانستان بانک و چگونگی نوسانات نرخ مبادله در کشور:

بعد از تحولات اخیر سیاسی در کشور بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی و تطبیق اصلاحات پولی، بانک مرکزی افغانستان نظام نرخ مبادله شناور مدیریت شده را بعد از مطالعه و ارزیابی همه جانبه و چگونگی سازگاری آن با شرایط اقتصادی کشور، منحنی نظام نرخ مبادله ی خود تعیین نمود. در نظام نرخ مبادله شناور مدیریت شده که بانک مرکزی آن را مورد استفاده قرار میدهد، نرخ مبادله توسط عوامل بازار آزاد یعنی عرضه و تقاضا تعیین میگردد. هر چند د افغانستان بانک نرخ مبادله افغانی را هدف قرار نمیدهد، اما متوجه تأثیرات نامطلوب نوسانات حاد آن بالای سایر شاخصهای اقتصاد ملی بوده و وقتاً فوقتاً تلاش می نماید تا ارزش افغانی را در سطح قابل قبول و مطلوب آن با ثبات نگهدارد. قابل یاد آور است که در هر اقتصاد، خواه اقتصاد پیشرفته صنعتی و یا اقتصاد های رو به انکشاف باشد، نوسانات در ارزش واحد های پولی یک امر طبیعی اقتصادی میباشد. شایان ذکر است که دافغانستان بانک ذخایر پولی را هدف قرار داده و سقف رشد آنرا با در نظر داشت شاخصهای عمده اقتصادی در مشوره با صندوق بین المللی پول تعیین می نماید. چنانچه امریت عمومی سیاست پولی د افغانستان بانک با بکارگیری مؤثر از ابزار های موجوده پولی، توانسته است تا اهداف مقداری تعیین شده را برای سال ۱۳۹۱ الی ختم ماه عقرب بگونه مؤفقا نه بدست آورد.

به اساس ارقام موجود، نرخ اوسط خرید و فروش افغانی در برابر دالر امریکایی در ماه عقرب سال ۱۳۹۰ معادل ۴۸.۰۲ افغانی بوده در حالیکه این رقم در ماه عقرب سال جاری به ۵۳.۵۳ افغانی میرسد که به این گونه یک کاهش ۱۱.۴۷ درصدی افغانی را در مقابل دالر امریکایی در مقایسه با عین ماه در سال قبل نشان میدهد.

گرچه عرضه و تقاضا به این دو ارز مورد نظر، عامل اساسی تعیین ارزش مبادلوی آنها که به گونه نرخ مبادله بیان میگردد، میباشد، اما در پهلوی آن عوامل دیگری نیز در تعیین ارزش مبادلوی این دو ارز نقش دارد که قرار ذیل اند:

—سایه افگنی شرایط عدم اطمینان نسبت به ثبات وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور بعد از سال ۲۰۱۴ میان مردم.

—کاهش ورود اسعار خارجی از دریچه کاهش سطح کمک های اقتصادی جامعه جهانی به کشور

—کاهش سطح صادرات در ربع اول سال جاری در مقایسه با عین ربع سال ماقبل در نتیجه رکود و کاهش رشد اقتصادی جهان در سال جاری و تأثیرات بحران حوزه یورو بر میزان صادرات کشور

—کاهش میزان سرمایه گذاری های مستقیم خارجی در کشور

-اقدام یک عده از متشبین و مردم جهت مبدل ساختن دارایی های پولی شان از افغانی به دالر و سایر ارزهای باثبات جهانی که باعث افزایش تقاضا به دالر گردیده است.

-تقاضای احتکاری به دالر امریکایی جهت منفعت از افزایش ارزش آن در آینده توسط یک تعداد از محترکان.

-افزایش یکباره گۍ واردات از کشور ایران توسط یک تعداد از تجار که ناشی از کاهش ارزش تومان ایرانی بوده و سبب ارزان شدن تمام اجناس آن کشور برای وارد کننده گان گردیده است.

نکات فوق همه بیانگر عواملی اند که در کاهش ارزش افغانی نقش مهم داشته اند. اما باید افزود که از این میان، افزایش ذهنیت عدم اطمینان نسبت به ثبات وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی کشور بعد از خروج عساکر بین المللی از کشور و نیز خاطرات مردم از دو دهه قبل از بیم کاهش ارزش افغانی در آینده باعث شده است تا مردم سرمایه و پس اندازهای شانرا به ارزهای عمده بین المللی چون دالر و یورو تبدیل نموده و به ذخیره سازی ارزش شان به اسعار خارجی متوسل شوند. نکته قابل توجه اینست که کاهش ارزش افغانی در برابر دالر امریکایی عامل نقدینگی یا سیاست پولی نداشته و عوامل فوق اند که باعث افزایش تقاضا به دالر در بازار های پولی کشور گردیده است. همچنان کاهش فعلی ارزش افغانی در حدود نوسانات معمولی و عادی واحد های پولی بشمار رفته و با در نظر داشت سطح تورم پایین در کشور قابل نگرانی نمیباشد. بانک مرکزی صرف بمنظور جلوگیری از نوسانات حاد یعنی سقوط خیلی بلند ارزش واحد پولی، به اقدامات جدی متوسل میگردد.

علاوًاً نکته مهم که باید به آن اشاره نمود اینست که چون افغانستان یک کشور متکی بر واردات بوده و سطح تولید در کشور خیلی پایین میباشد، بناً فشار افزایش واردات و رشد سریع نفوس که خود موجب افزایش تقاضا و بالتجیه سبب افزایش واردات و بلند رفتن سطح تقاضا به ارز های خارجی گردیده و در مقابل چون جریان ورود ارز های بین المللی به کشور نظر به دلایل فوق الذکر کاهش یافته است، فلًذا این امر در کاهش میزان ورود اسعار و افزایش تقاضا به آن نقش عمده داشته که تقاضای رو به افزایش به ارز های خارجی به لنگر خود منجر به افزایش ارزش مبادلوی آنها در برابر واحد پول ملی میگردد. هنگامیکه تولیدات کشور افزایش یافته و سیاست تعویض واردات و هماهنگی با آن سیاست تقویه صادرات منحث بخشی از سیاست های اقتصادی کشور اتخاذ و تطبیق گردد، در اینصورت تعادل جدید ارزی به میان آمده که میتواند در تقویت ارزش افغانی و کاهش سطح تقاضا به ارز های بین المللی کمک قابل ملاحظه نماید.

شایان ذکر است که در این اواخر بانک مرکزی غرض رفع نیازمندیهای ارزی اقتصاد کشور در بازار مداخله نموده که این امر موجب گردیده است تا نرخ مبادله ثبات خود را باز یابد. اما با آنهم فشارهای مزبور هنوز هم بر ارزش آن سایه می افکند.

منحنی ذیل نوسانات نرخ مبادله افغانی در برابر دالر امریکایی را در کشور برای ده سال گذشته نشان میدهد. ●

نوسانات نرخ مبادله افغانی در برابر دالر امریکایی

(اول جنوری ۲۰۰۳ الی اول دسامبر ۲۰۱۲ میلادی)





انور شاه یوسفی

عضو هیئت رئیسه شورای متخصصان هرات

۲۰۱۴

افغانستان یک ماموریت نه، بلکه یک مسوولیت است

وارد نموده است.

جو طوری طراحی شده که گویا تأکیدات جامعه بین المللی در کنفرانس بن دوم (دستمبر ۲۰۱۱) در امر استمرار کمک های جامعه جهانی به افغانستان، کنفرانس شیکاگو، کنفرانس توکیو، پیمان استراتژیک فی بین دولت افغانستان و کشور های مهم و تأثیر گزار در معادلات بین المللی همه و همه گویا خطوط روی آبی باشند ولی در پهلوی آن نباید از کنار این دسته سوالات آسوده خاطر گذشت، دولتمردان ما برای هر یک از این بیم و نگرانی ها باید پاسخ و برنامه منطقی علمی و عملی داشته باشند و برای زدودن نگرانی های گوناگون که بخوبی می تواند جو کلی جامعه را ملتهب و دستاورد های فعلی را معروض به خطرسازد لازم است مجدانه آستین همت بالا بکشند و با مبارزه علمی و عملی مجاهدت ورزند تا نشود خلاهای

- چه مشکلی سر روند دموکراسی نوپای کشور خواهد آمد، آیا دولت قادر است انتخابات دور سوم ریاست جمهوری را برگزار نماید، سرنوشت دور بعدی مجلسین چه خواهد شد؟

- آیا کاهش نیرو های خارجی که کاهش مصارف دالری شان را در کشور به همراه دارد و بدون شک بالای میزان عرضه دالر تأثیر منفی می گذارد و هر گاه کسر بودجه دولت، نهاد های دولتی و خصوصی از منبع کمک های بلاعوض بخوبی امروز تمویل نگردد چه مشکلی بالای عرضه خدمات عمومی خواهد آمد؟

از این قبیل سوالات که متأسفانه بیشتر در رسانه ها از یک دیدگاه به نحوی منفی نگرانه برخورد شده تا جائیکه امید به آینده را در قلوب مردم به یأس مبدل ساخته و این حالت تأثیرات منفی را بالای فعالیت های اقتصادی در کشور

متأسفانه بیم و نگرانی های ۲۰۱۴ بالای تمامی ابعاد زندگی مردم ما سایه افکنده است و هر قدر به این تاریخ نزدیکتر می شویم نگرانی ها بیشتر می شود همه روزه سوالات و سوز های در رسانه ها مطرح بحث قرار می گیرد و کارشناسانی های پیرامون آنها بعمل می آید که اکثراً خواسته و نخواست بر تشویش مردم می افزاید تا کنون دولت نظر مشخص و چوکات بندی شده ی صریح و واضحی در زمینه به مردم ارائه ننموده است. فقط پراکندگی نظرات اذهان عامه را به قسمی مغشوش و نا امیدی به آینده را تداعی نموده است که :

- آیا با خروج قسمت بزرگی از نیرو های نظامی بین المللی، نهاد های امنیتی ما قادر خواهند بود از امنیت داخلی و تمامیت ارضی کشور دفاع نمایند؟

وارده زحمات یکدهه را دستخوش نوسانات سازد. قطعاً ضرورت است مسوولین سکتورهای مختلف برنامه های آینده شان را درین راستا صریح و شفاف به مردم اعلام نمایند و مردم را از کابوس نگرانی و سرگردانی رهایی بخشند.

بدون شک حضور نیرو های نظامی خارجی تأثیرات قوی اقتصادی در اقتصاد افغانستان داشته است ولی ناگذیرهستیم کشور ما حداقل باید از وابستگی حضور این نیروها رهایی یابد و هر گاه دقیق مطالعه نمائیم اولین تجهیز نیرو های نظامی داخلی ما از آوان حضور نظامی بین المللی در سال ۲۰۰۱ شروع گردید به عبارت دیگر گفته میتوانیم با اولین تجهیز و ارتقای ظرفیت نیروهای پولیس ملی، اردوی ملی و امنیت ملی اولین مرحله انتقال امنیتی در کشور آغاز گردیده و طی ده سال گذشته ادامه داشته است و در سال ۲۰۱۴ به حد ایده آل خود میرسد. همینطور ابعاد سیاسی و اقتصادی پروسه انتقال که هر یک تا مرحله به پیش رفته است.

درین دوره ده ساله (۲۰۰۱-۲۰۱۱) جمعاً مبلغ ۱۱۹ میلیارد دالر امریکائی از جانب جامعه جهانی به افغانستان وعده کمک داده شده که از آن جمله ۸۵

میلیارد دالر تعهد گردیده و ۷۰ میلیارد آن تادیه گردیده است از جمله این ۷۰ میلیارد مبلغ ۵۸ میلیارد توسط کشور های دونرو صرف ۱۲ میلیارد دالر آن از طریق دولت افغانستان از مجاری بودجه به مصرف رسانیده شده است. نباید نادیده گرفت دستاوردهای نصیب ملت افغانستان شده است عمده آن تزئید عاید سرانه به ۵۹۱ دالر امریکائی، اعمار ۸۰۰۰ کیلو متر سرک، جذب ۸ میلیون نونهالان و جوانان کشور در صنوف درسی، انکشاف سیستم های ارتباطات، رسانه و سیستم مالی در کشور و افزایش قابل ملاحظه در بودجه دولت که به ۱۲٪ محصول ناخالص ملی میرسد و سایر دستاوردها در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم می باشد.

در کنفرانس بن دوم و شیکاگو اکیداً از جانب جامعه جهانی تعهد گردید که دیگر افغانستان تنها گذاشته نمیشود و در کنفرانس ۲۰۱۲ توکیو ادامه کمک های اقتصادی برای افغانستان در مقابل میکانیزم های خاص تعهد گردید که بخش عمده این تعهدات از جانب افغانستان دولت سازی خوب و ارائه و تطبیق یک میکانیزم عملی و شفاف نظارتی برای استفاده از کمک ها یا پالیسی تطبیق کمک ها در

چهارچوب برنامه الویت های ملی که خوشبختانه همانطوری که نقش جامعه مدنی افغانستان در کنفرانس های اخیر بن، شیکاگو و توکیو متباز بود سهم نظارتی جامعه مدنی افغانستان به نمایندگی مردم افغانستان در رابطه به کمک های تعهد شده کنفرانس توکیو بعد از سال ۲۰۱۴ متبازتر است. البته در پالیسی تطبیق کمکها تقاضای دولت افغانستان اینست که بیشتر کمک ها باید از طریق دولت و به هماهنگی دولت افغانستان صورت پذیرد. اینها همه برنامه هایست که ما را می تواند به آینده امیدوار سازد.

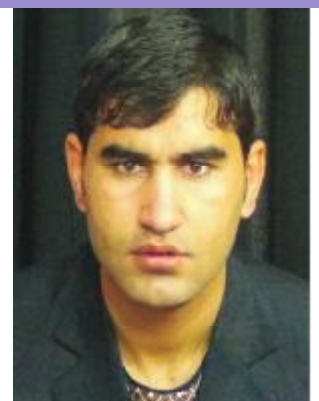
هر چند سال ۲۰۱۴ زنگ خطرست برای همه ولی احساس و قبولی آن یک فرصت مساعدیت برای برنامه ریزی های لازم در سکتورهای مختلف، هر چند فرمان شماره ۴۵ رئیس جمهور افغانستان تاکنون دستاوردهای زیادی در ساحات مختلفه داشته است اما به هیچ وجه بسنده نخواهد بود. کار و تلاش جدی و صلابت اداری بیشتری می خواهد تا عملاً برای مردم ثابت ساخته شود که نظام به طرف درست روان است و افغانستان در مسیر دلخواه قاطبه مردم گام برمیدارد. ●



لاسو جوړول. له خاورینو کټور یو نیولې
ان تر کالیو او جامو پورې ټول شیان به
یې په طبیعت کې له شته توکو نه په
لاسونو او بدل او جوړول. هغه وخت
لاسي صنایع د بشر له رغنده استعدادونو
او له نوښتونو ډک ول او هر قوم به له
خپل استعداد او وړتیاوو سره سم د اړتیا
وړ توکي رامنځته کول د لرغونو انسانانو
هر قوم او قبیله به د سیمې چاپیریال له
مخې خپل، خپل لاسي توکي رامنځته
کول د ساري په توګه طبیعت د سړو
سیمو خلک دې ته اړ وېستل چې له
سړو نه د بچ کېدو په موخه ځانونو ته
تودې جامې وګنډي او د حیواناتو له
پوستینونو څخه ځانو ته کالي او نور
توکي جوړ کړي. لاسي صنایعو د

د هېواد لاسي صنایعي

باید ووايو چې په لرغونو زمانو کې
څارویو او دودیزو کرنیزو محصولاتو د
خلکو اړتیاوې نه شوې پوره کولای نو
خلکو د کرنې پیاوړتیا ته پام وړاو د
اړتیا له مخې اسبابونه جوړ کړل چې
همدا د لومړي صنعت پیلامه وه
همدارنګه کله چې انسان له کوچیانې
ژوند نه د مېشت کېدو خوا ته راغی،
نو انسان به خپل ټول اړتیا وړ توکي په



محمد داود نیازی

تغږ، کنځي، لاس ماغوان، جرابې... او نور شیان او بدل کيږي.

همدغسې په هېواد کې کندهارۍ غاړې، غاړکۍ، گوتې، لاس بندونه، ملاوستي، بگړۍ... او نور توکي او بدل کيږي. په ځينو ځایونو کې له لرگيونه ډېر توکي لکه کړڅۍ (خمڅۍ)، مزونه، بناڅۍ، راشپلونه، صندلی، الماری، کاسې، دروازې جوړيږي. په هېواد کې له کاڼو او ډبرو نه هم ډېر اړین توکي لکه بغړۍ، مېچنې او نور وسایل جوړېدل چې اوس ځینې توکي په انټیکو توکیو بدل شويدي. یو مهال ډېرو وگړیو له دغو توکو ډېره گټه پورته کوله او ټول ژوند یې په همدغو توکو مخته روان و اوس هم ځینې هېوادوال ترې گټه پورته کوي. د هېواد د ځینو مهمو لاسي صنایعو یادونه په لاندې ډول کوو:

کلالی: د کلالۍ هنر د افغانستان له نوميالیو لاسي صنایعو او کسبونو څخه دی چې د هېواد په هره سیمه کې ډیر ارزښت لري او په مشکل به یو داسې کور په کلیو او بانډو کې وموندل شي چې هلته د کلال د لاس جوړ لوښي شتون ونلري. د کلالۍ د لوښو جوړولو تاریخ خو په څرگند ډول معلوم ندي خو دا اندازه یې څرگنده ده چې په دې هېواد کې زرگونه کاله اوږد تاریخ لري او اوس هم د هېواد په بیلابیلو سیمو کې په بیلابیلو بڼو جوړيږي. د هېواد په بیلابیلو سیمو کې همدا اوس کاسې، مجسمې، کوزې، چیلچي، قنداني، گلدان، د مستو کټوې، چلیم د جامو مینځلو او

صنعت په نسبت د لاسي صنایعو مینه وال ډیر دي.

زمونږ په لرغوني هېواد کې چې د زرگونو کلو تاریخ لري او د دې ټولې دورې په اوږدو کې د فرهنگ او مدنیتونو څانگو ده په یو شمېر سیمو، لکه کاپیسا، بگرام، هډه، بامیان، ای خانم، میرزکه او نورو کې د پلټنو او کیندنو په پایله کې داسې لاسي صنایع تر لاسه شوي چې د ډیر ښه او لوړ هنر ذوق استازیتوب کوي.

د ځینو تاریخپوهانو او لرغون پېژندویانو د اټکل له مخې 9000 کاله د مخه په اریانا کې د فلزاتو دوره پیل شوې چې د مس او قلعي گډ مرکب د هلوکو او تیگوخڅه د جوړو

وسایلو ځای ونیو او بیا له نن نه پنځه زره کاله وړاندې د ډول ډول مسکوکاتو، کلالی صنعت او ډیرو فلزي وسایل او لوښو لرونکي او وروسته د میلاد په لومړي پېړۍ کې یې د ډیرو هلو څلو په پایله کې دومره پرمختګ کړی دی چې خپلې ټولې اړتیاوې یې په خپله پوره کړي او په ښه ډول یې خپل صنعت ته وده ورکړې ده او د زره په مینه یې پاللې دي. له ډېر پخوا راهیسې زمونږ په هېواد کې لاسي غالی، لیمڅي،



وخت په تېرېدو سره پرمختګ وکړ. د خلکو د گټې اخیستنې لپاره د توکو استحصال، کیفیت او بڼې بدلون ته صنعت ویل کيږي. لاسي صنعت هغه صنعت ته وايي چې په هغه کې ټول توکي په لاس جوړيږي. لاسي صنعت د هېوادنو په اقتصاد او د کورنیو په اقتصادي وده کې مهمه ونډه لري. که مونږ او تاسو د نړۍ بازارونو ته وگورو نو ټول په زړه پورې ماشیني صنایعو څخه ډک دي خو بیا هم د ماشیني

کورټو سولولو تگارې، کاشي خښتې، بلوونه، مرتبانونه او داسې نور توکي جوړوي او په مناسبه بیه پلورل کیږي. د کلالي اومه مواد له خټې (خاورې) جوړوي چې د سختې، نرمې او سربښانکې ځانګړتیاوې ولري.

غالی: غالی زموږ د هېواد د لاسي صنایعو یو ارزښتمن تولید دی چې په ملي اقتصاد کې تر نور هر څه ډیر رول لري او د هېواد له لویو صادراتي توکو څخه شمېرل کیږي. د غالیو اوبدل په افغانستان کې یو لرغونی تاریخ لري او په بهرنۍ نړۍ کې افغاني غالی له یو ځانګړي شهرت څخه برخمن دي چې اوس هم د نړۍ په مشهورو موزیمونو کې افغاني غالی د نندارچیانو لپاره نندارې ته ایښوول شوي دي. زموږ په هېواد کې په بېلا بېلو ساینونو او رنگونو جوړیږي چې د هرې سیمې غالی خپلې ځانګړنې او خپل ځانګړي شهرت او ښکلا لري. د غالیو د تولید مهم مرکزونه له اقبچې، اندخوي، دولت اباد، فاریاب، بلخ، قزل ایماق، شبرغان، مېمنه، قلعه زال، خماب، مورچاق چکش، قرینو، بلوچي، هرات سیمې دي. د غالیو عمر او ښکلا د هغې په تار او د ګڼدونکي مهارت پورې اړه لري. زموږ د هېواد هغه سیمې چې یادونه یې پورته وشوه چې په غالیو اوبدلو کې شهرت لري، ډیر کلي او ښارونه دي چې هلته میرمنې له خپلو نارینو سره د غالیو په اوبدلو کې څنګ په څنګ ونډه اخلي او تقریباً ټولې میرمنې د غالیو په اوبدلو کې ښه وړتیا لري.

زرګري: د زرګرۍ صنعت په هېواد کې د نورو صنایعو په څیر له استاده شاګرد ته له پلاره زوي ته پاتې وي چې زیاتره استادان له دوو څخه تر پنځو شاګردان لري چې دا صنعت هم زموږ په هېواد کې زرګونه کاله تاریخ لري. د زرګرۍ صنعت په درو فلزاتو چلیږي: سره زر، سپین زر او برنج. زرګران د سرو زرو تول او اندازه په قیاط کوي چې دا یو ترکي وي چې معادل یې له څلورو وربشو سره کیږي چې د ګرام ۱۰/۱ برخه جوړوي د هېواد د پلازمېنې ترڅنګ ننگرهار، کندهار، بلخ او هرات کې هم ډیر ښه بازارونه لري.

خامک ګنډل: خامک ګنډل د ټول هېواد په کلیو او ښارونو کې له ډیرې پخوا څخه دود دی او په ښځینه طبقه کې د ډیرې پاملرنې وړ صنعت ګنل کیږي او د دود له مخې ورو نجونو ته په ډیر کوچنیوالي کې ستنه او تار ورکول کیږي چې په د سمالو کې ګلان وګنډي او یا خو د رنځو کڅوړې او یا نور څه په وګنډي تر څو وکولای شي چې ښوونځي ته د شاملیدو تر وخته له ګنډلوسره بلده شي. میندې ډیرې هڅې کوي چې په خپلو لونیو خامک ګنډل زده کړي.

د هېواد په ډیرو (چې ډیرې پښتني سیمې دي) سیمو کې دا دود دی چې کله یوه نجلۍ کوژده شي نو هغه ځان اړ بولي چې تر واده پورې ډیر توکي د بیلګې په توګه د سمالونه، سرمیزی، پردې، خادرونه او یوه ښکلي ښایسته غاړه د واده د زلمي لپاره جوړوي چې د

واده پر مهال یې د جیز په نوم د خاوند کور ته له ځان سره یوسي او هلته یې په خوسره، لیور او نورو نژدې دوستانو وويشي. دا له یوې خوا د ناوې سوغات او له بلې خوا د خوسره کوروالو ته د خپل لاس کمال څرګندوي. دا صنعت که له یوې خوا د هېواد په دننه کې ډیر اهمیت او ارزښت لري له بلې خوا یې په بهرنۍ نړۍ کې نندارتونه او سالونونه ښایسته کړي دي.

۵- لاسي فلزي صنعت: په هېواد کې د حلبي جوړونې صنعت د هېواد د نورو صنایعو په څیر ډیر اهمیت او ارزښت لري چې د هېوادوالو ډیرې اړتیاوې (سطل، جای جوش، منقل، ابدان، تشت...) چې دا ټول وسایل جوړوي او د خرابیدو په صورت کې یې بیا جوړونه هم کوي د حلبي جوړونې تر څنګ د مسګرۍ صنعت هم زموږ په هېواد کې د سلطان محمود غزنوي د واکمنۍ له وخته دود دی. د هېواد په هر ځای کې یې ښه پاڅه کاریګران شتون لري او د کور ډیر اړین سامانونه جوړوي د بیلګې په ډول دیګ، کاسه، تشت، کوزه، چلمچي، چلم، ابدان او نور چې دا سامان الات د سیمو له مخې یو له بل سره توپیر لري. همدارنګه اهنګري هم زموږ په هېواد کې له مشهورو لاسي صنعتونو څخه شمېرل کیږي او په هېواد کې اوږده سابقه لري او په هېواد کې ډیر ارزښناکه وسایل (بیل، رمبي، لور، خټک، تبر، مارتول، شاول تبي، دسپارې پال...) جوړوي چې د هېواد کرنې ته ډیر ارزښت لري. ●

نگاهی کوتاه بر روند

تحولات اقتصادی جهان: نومبر ۲۰۱۲

عبدالمتین غفوری پژوهشگر اقتصادی

با اینکه فعالیتهای اقتصادی جهان تقویت می یابد اما پیشرفت های شان نا متوازن به چشم میخورد. فعالیتهای اقتصادی در کشورهای رو به انکشاف (از جمله چین، برازیل و هند) از بلندترین رشد در سطح جهان برخوردار بوده است. چنانچه طی ربع سوم ۲۰۱۲ تولیدات صنعتی این کشورها تا حد ۵.۸ فیصد افزایش یافته است. در میان کشورهای رو به انکشاف چین بلند ترین رشد اقتصادی (GDP) را به میزان ۹.۱ فیصد در ربع سوم داشته که اساس آنرا رشد سریع سکتور خدمات در این کشور تشکیل داده است.

از سوی دیگر، این وضعیت در کشورهای پر درآمد جهان متفاوت بوده است. تولید ناخالص داخلی ایالات متحده امریکا به اندازه ۲ فیصد در ربع سوم در مقایسه با ربع قبلی آن رشد نموده که عامل اصلی آن رشد قوی به اندازه ۱۴.۴ فیصد در سرمایه گذاری های مسکونی یا (residential investment) در بازار مسکن عنوان شده است. علاوه بر آن، افزایش نسبی در هزینه های دولت به مقدار ۳.۷ فیصد و ازدیاد هزینه های عمومی به اندازه ۲ فیصد نیز خالی از تأثیر روی رشد تولیدات این کشور نبوده است. بر عکس سرمایه گذاری های غیر مسکونی در امریکا حدود ۱.۳ فیصد کاهش یافته که احتمالاً بخاطر طرح قوانین جدید دولت این کشور مبنی بر کاهش هزینه های دولت و بلند بردن مالیات جهت کاهش کسر بودجه که قرار است در اوایل سال ۲۰۱۳ عملی گردد که بنام (fiscal cliff) نیز یاد میگردد، بوده باشد. این در حالیست که تولید ناخالص داخلی این کشور در ربع دوم سال جاری حدود ۱.۳ فیصد رشد نموده بود.

هر چند تولیدات صنعتی در منطقه یورو حدود ۰.۹ فیصد طی ربع سوم رشد داشته با آن هم نتوانسته است تا از انقباض تولیدات ناخالص داخلی این حوزه که به اندازه ۰.۱ فیصد بود، جلوگیری نماید. در جاپان از یکطرف افت تقاضای داخلی بر اثر پایان یافتن برنامه سبسادۍ دولت و از جانب دیگر کاهش صادرات این کشور بخاطر اختلافات آن با چین بر سر حاکمیت بر جزایر تحت مناقشه باعث شد تا تولید ناخالص داخلی این کشور در ربع سوم تقریباً ۳.۵ فیصد کاهش نماید.

تولیدات صنعتی جهان

(فیصدی تغییرات - سه ماه جاری با سه ماه قبلی هر دوره)



تولیدات ناخالص داخلی کشورهای پر درآمد

(فیصدی تغییرات - سه ماه جاری با سه ماه قبلی هر دوره)



منبع: گزارش ماه نومبر بانک جهانی

پس از تشدید تنش های مالی در اروپا در ماه می سال روان حجم تجارت جهانی تا ماه سپتامبر در حال کاهش بوده است. آمارهای ماه سپتامبر بانک جهانی نشان میدهد که تقاضا برای واردات در کشورهای رو به انکشاف در حال صعود بوده اما واردات کشورهای پر درآمد جهان اندکی تقلیل یافته است. واردات کشورهای رو به انکشاف از جمله چین و هند حدود ۱.۴ فیصد در ماه سپتامبر افزایش یافته در حالیکه در کشورهای پردرآمد واردات حدود ۷ فیصد کاهش نموده است.

از سوی دیگر، گرچه روند کند پیشرفت های اقتصادی جهان صادرات کشورهای رو به انکشاف را در ربع دوم تحت تأثیر قرار نداد اما توانست آنرا در ربع سوم کاهش دهد. با اینحال، بر بنیاد آمارهای ماه اکتوبر صادرات کشورهای چین، هند و برازیل بیش از ۹ فیصد افزایش یافته که خود بهبود وضع صادرات کشورهای رو به انکشاف را در ربع چهارم به اثبات میرساند. هکذا صادرات منطقه یورو نیز حدود ۴ فیصد در هر یک از دو ماه (جون و جولای) افزایش نموده است. این در حالیست که صادرات جاپان در پهلوی سایر عوامل بخاطر کاهش تقاضا از جانب چین که بزرگترین شریک تجاری آن محسوب میگردد کاهش یافته است. چنانچه صادرات این کشور بیش از ۲۵ فیصد رشد منفی را طی ربع سوم تجربه کرده است. با اینحال، با توجه به تحولات اخیریکه در روند تولیدات صنعتی جهان مشاهده میشود چنین انتظار میرود که جریان تجارت جهانی نیز تا ربع چهارم دوباره تقویت یابد.

حجم واردات جهان

(فیصدی تغییرات - سه ماه جاری با سه ماه قبل هر دوره)



حجم صادرات جهان

(فیصدی تغییرات - سه ماه جاری با سه ماه قبل هر دوره)



منبع: گزارش ماه نومبر بانک جهانی

میزان تورم جهانی از ۳.۴ فیصد در ماه سپتامبر سال روان به ۳.۱ فیصد در ماه اکتوبر کاهش نموده است. شتاب تورم جهانی به دنبال افزایش قیمت حبوبات در ماه سپتامبر که مستقیماً بالای قیمت مواد غذایی تأثیر گذاشته بود، دوباره به حالت میانه برگشت. یکی از دلایل افزایش تورم در ماه سپتامبر بلند رفتن مقطعی قیمت مواد غذایی در برخی از مناطق جهان از جمله اروپا، آسیای مرکزی، امریکای لاتین و افریقا بود که بالای شتاب تورم جهانی تأثیرات عمیقی گذاشت. بر خلاف، میزان تورم عمومی در سراسر شرق آسیا و اقیانوسیه در حد نرخ تورم هدفمند باقی مانده که می توان از کاهش میزان تورم چین در حد ۱.۷ فیصد، نام برد. به همین ترتیب، شتاب تورم در تعدادی از کشورهای آسیای مرکزی و امریکای لاتین از جمله روسیه و مکزیکو پس از صعود ماه سپتامبر که عامل اصلی آن خشکسالی ها در این مناطق خوانده شده است، نیز تعدیل یافته است.

از سوی دیگر، میزان تورم در شرق میانه و افریقای شمالی تا حد زیادی بدلیل نابسامانی های اخیر در مصر که عرضه مواد غذایی را مختل ساخته بود، بلند بوده است. چنانچه میزان تورم در این حوزه از ۶ فیصد به ۶.۶ فیصد افزایش یافته است. به همین منوال، با توجه به تحریم های اقتصادی بالای ایران و نا آرامی های سیاسی در سوریه منجر شده تا میزان تورم در این کشور ها نیز از اواسط سال ۲۰۱۰ به این طرف در حد دو رقمی باقی بماند.

میزان تورم در کشورهای شرق میانه و قاره افریقا

(فیصدی تغییرات - سه ماه جاری با سه ماه قبل هر دوره)



میزان تورم در کشورهای رو به انکشاف و پر درآمد

(فیصدی تغییرات - دو ماه جاری با دو ماه قبل هر دوره)



منبع: گزارش ماه نومبر بانک جهانی

بهای نفت خام در بازارهای جهانی از اواسط ماه اکتوبر سالروان بدلیل شایعات منفی در مورد رشد جهانی رو به نزول نهاده است. چنانچه قیمت نفت خام نوع برنت حدود ۱۳ فیصد و قیمت نفت خام نوع WTI حدود ۸ فیصد از اواسط ماه سپتامبر تا بحال سقوط کرده است. دلیل سقوط در بهای نفت نه تنها بخاطر ضعف تقاضا بدلیل کاهش رشد جهانی بوده بلکه افزایش نگرانی ها در مورد وضعیت ژئوپلیتیکی شرق میانه نیز تأثیر گذار بوده است. به همین ترتیب، قیمت فلزات گرانبها در طول ماه اکتوبر سال جاری بخاطر ضعف تقاضا از سوی سرمایه گذاران این رشته بین ۳ تا ۵ فیصد کاهش نموده است. بطور کُل، صعود قیمت فلزات گرانبها که در شروع ربع سوم ۲۰۱۲ آغاز گردید، نه تنها بخاطر افزایش نگرانی های سرمایه گذاران مبنی بر بدتر شدن وضعیت اقتصاد جهان بوده بلکه عواملی چون مشکلات بدهی در اروپا و افزایش بن بست های مالی در ایالات متحده امریکا بطور قابل توجهی نیز روی آن تأثیر گذاشته است. ●

بهای نفت خام در جهان

(هر بیرل به دالر امریکایی)



بهای فلزات گرانبها در جهان



منبع: گزارش ماه نومبر بانک جهانی



سرمایه گذاری و روند آن در افغانستان

خوبی در بخش اقتصاد است و این موقعیت نه تنها برای افغان ها بلکه برای کشور های همسایه و حتی منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است و به گفته آگاهان اقتصادی انکشاف و پیشرفت منطقه، به انکشاف و پیشرفت افغانستان بستگی دارد.

بانک جهانی سالانه روی شاخص های سرمایه گذاری ۱۸۳ کشور جهان تحقیق و مطالعه میکند و ده شاخص عمده سرمایه گذاری تهیه شده بانک جهانی

حمایت زیاده دولت از این بخش سبب ایجاد سرمایه گذاری های مولد در کشور گردید.

مقصد از سرمایه گذاری این است که پول را در راهی باید استفاده کرد که به پول بیشتر تبدیل گردد. سرمایه گذاری در بخش های مختلف نیاز به شرایطی چون: امنیت، دسترسی به قرضه، رقابت سالم در بازار، انرژی، زمین، ترانسپورت و... دارد. افغانستان با موقعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی دارای ظرفیت های

پس از آنکه نظام اقتصادی کشور به شکل نظام اقتصاد بازارعرض اندام نمود، عملاً دروازه هایش را بر روی بازار های جهانی گشود، همزمان با آن سرمایه گذاری و تجارت در افغانستان توسعه یافت. اما در پهلوی توسعه و پیشرفت، سکتور خصوصی داخلی با مشکلات و دشواری های نیز روبرو شد. عمده ترین دشواری و مشکل سکتور خصوصی داخلی تعرفه ها و محصول بلند گمرکی بود تا اینکه

شامل آغاز تجارت، صدور جواز سرمایه گذاری، دسترسی به برق (انرژی) دسترسی به قرضه، ثبت دارایی ها، حمایت از سرمایه گذاران، پرداخت مالیات، صادرات و واردات، تطبیق قرارداد ها و حل منازعات می باشد.

باید گفت: بر اساس گزارش اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان (آیسا) سرمایه گذاری ها در سال ۲۰۰۳ در حدود ۷۲۲ میلیون دالر، در سال ۲۰۰۴ بیشتر تر از ۶۵۶ میلیون دالر رسیده است، اما بعد از سال ۲۰۱۱ سرمایه گذاری به ۴۹۰ میلیون دالر رسید. طبق گزارش دفتر تحقیق و

احصائیه اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان در سال ۲۰۱۰ نزدیک به ۴۶۶ میلیون دالر سرمایه گذاری خصوصی در افغانستان صورت گرفته بود. از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۱۱ بیشتر از ۵ میلیارد و ۲۲۵ میلیون دالر سرمایه گذاری در افغانستان صورت گرفته است که از جمله یک میلیارد و ۸۰۶ میلیون دالر از سوی شرکت های خصوصی خارجی در افغانستان سرمایه گذاری گردیده که عمدتاً این سرمایه گذاری ها در بخش های ساختمانی می باشد.

همچنان در سکتور ساختمانی حدود ۳۸٪، در سکتور خدمات، (بانکداری،

مخابرات و ...) ۳۰٪، در بخش صنایع و تولید ۲۵٪ و در سکتور زراعت ۷٪ سرمایه گذاری صورت گرفته است.

باید گفت: از جانب شرکت های داخلی در بخش سکتور ساختمان یک میلیارد و ۵۰۸ میلیون دالر، در سکتور خدمات بیشتر از یک میلیارد دالر، در بخش سکتور صنایع یک میلیارد و ۲۰۷ میلیون دالر و در بخش سکتور زراعت بیشتر از ۹۱ میلیون دالر و از جانب شرکتهای خارجی در بخش ساختمان ۶۴۲ میلیون دالر، در بخش خدمات ۷۰۲ میلیون دالر در بخش صنایع بیشتر از ۱۶۶ میلیون دالر و در سکتور زراعت ۲۹۵ میلیون دالر سرمایه گذاری شده است.



اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان (آیسا) تلاش میوزد تا فرصت های سرمایه گذاری در افغانستان را با

همکاری وزارت های سکتوری فراهم سازد و کوشیده تا سهولت های را در بخش اخذ جواز شرکت ها به میان آورد. بدون شک یکی از روش های مهم در سرمایه گذاری بهتر فراهم ساختن زمینه های سهولت برای سرمایه گذاری است. افغانستان جای مناسبی برای سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی میباشد، زیرا نیروی فراوان کار و نیاز مردم به عملی سازی پروژه های مورد ضرورت شان، عامل مهمی برای سرمایه گذاری در کشور دانسته می شود، اما این هدف زمانی بر آورده می شود که به گفته آگاهان، دولت و نهاد های خصوصی در هماهنگی بیشتر، زمینه های سهولت برای سرمایه گذاری را در کشور بیشتر از امروز فراهم نمایند، مانند زیربنا های اقتصادی، قوانین مورد ضرورت سرمایه گذاری، امنیت کامل و آگاهی لازم سرمایه گذاران از شرایط افغانستان و

دولت جمهوری اسلامی افغانستان بعد از سال ۲۰۰۳ تلاش زیادی به خرج

داده است تا با ایجاد قوانین، مقررات، لوایح و سهل سازی، پروسه شرایط ذهنی را برای سرمایه گذاران داخلی و بین المللی تا اندازه فراهم نماید تا با خاطر مطمئن در افغانستان سرمایه گذاری کرده بتوانند.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، قانون سرمایه گذاری داخلی و خارجی، سکتور خصوصی مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت سرمایه گذاران را تضمین می نماید. بر همین اساس سرمایه گذاری داخلی و خارجی (سکتور خصوصی) به منظور تشویق و تقویت این سکتور اقتصادی، ایجاد بازار کار، افزایش عواید ملی، ارتقا استندرد های زندگی مردم و کمک به پروسه باز سازی افغانستان می باشد.

به تاسی از گزارش وزارت تجارت و صنایع افغانستان که در روز های اخیر به نشر رسید در سال روان میلادی سرمایه گذاری در کشور ۲۰٪ افزایش یافته است که بخش بزرگ از این سرمایه گذاری ها مربوط به افغان ها می باشد، امسال ما شاهد سرمایه گذاری ۴۶۰ ملیون دالر امریکایی میباشیم که این رقم در مقایسه با سال گذشته ۲۰٪ افزایش را نشان میدهد. سکتور

اقتصادی افغانستان از همه سرمایه گذاری های داخلی و خارجی در کشور استقبال می نماید بویژه در سکتور معادن که ذخایر وسیعی به ارزش سه هزار میلیارد دالر برآورد شده است، سرمایه گذاری درین بخش میتواند کشور را از نظر اقتصادی به پای خود بایستد و افغانستان را متکی به خود سازد که یقیناً در آنصورت به کمک های خارجی نیاز نخواهیم داشت.

سرمایه گذاری سکتور معادن از شفافیت خوبی برخوردار است و درین مورد سهولت های زیادی ایجاد گردیده است که سرمایه گذاری در سکتور معادن در آینده به یکی از استراتیژی های اقتصادی کشور مبدل خواهد شد و می تواند افغانستان را بسوی استقلال اقتصادی سوق دهد و زمینه خود کفایی را میسر خواهد ساخت. از جانب دیگر بر اساس گزارش های وزارت مالیه جمهوری اسلامی افغانستان عواید گمرکی و غیر گمرکی در نه ماه سال روان ۱۱٪ افزایش یافته است که بیشترین این عواید از منابع غیر گمرکی بدست آمده است. ●

بایانی

منابع و مأخذ:

<http://afghanistaneconomy.blogha.com>
<http://fa.wikipedia.org/wiki>
<http://banki.ir-news>

کریډټ کارټونه چې سوداګریز بانکونه یې د خپلو مشتریانو لپاره جاري کوي د لاندې ځانګړتیاوو او اوصافو درلودونکي دي.

- سوداګریز بانکونه چې کوم کریډټ کارټ جاري کوي هغه د هېواد دننه او بهر دواړو ځایو کې استعمالیدای شي.

- د کریډټ کارټ د ترلاسه کولو لپاره سوداګریز بانک ته عریضه کیږي چې پکې د کارټ لرونکي ټول ریکارډ لیکل کیږي.

- په کریډټ کارټ باندې د کارټ لرونکي یو خاص سایز کې رنگین عکس لګیدلی وي، ځینې بانکونه په کارټ باندې د کارټ لرونکي عکس نه لګوي.

- د کریډټ کارټ لپاره د بانک مشتری کیدل ضرور ندي خو ځینې بانکونه کریډټ کارټ داسې اشخاصو ته جاري کوي چې په بانک کې جاري حساب، د ګټې او تاوان حساب یا د سپما حساب ولري.

- کریډټ کارټ څخه یوازې هغه څوک ګټه اخستلای شي چې د چا لپاره سوداګریز بانک جاري کړای وي.

- ځینې بانکونه د لاسنه خوندیتوب په موخه په کارټ باندې د شخص د لاسلیک نمونه هم اخلي او همدارنګه کله چې کارټ ورک یا

په بانکي سیستم

کې

د کریډټ کارټ

لازمیت



تاج محمد تمکین

د افغانستان بانک د ختیځ زون اقتصاد پوه

د عصري

بانکي سیستم

د برکت له امله په

نړۍ کې ډیری شمېر

اسانتیاوې رامنځته شويدي چې له

مخې یې اوس خلک په ډېر زیات

خوندیتوب او ډاډمنتوب سره د پیسو

معاملې کولای شي چې په پخوا

وختونو کې دغه کار شونې نه وو او

ډیری شمېر ستونزې یې درلودې،

کریډټ کارټ د عصري بانکي

سیستم د اسانتیا رامنځته کوونکو

وسیلو څخه یوه بیلګه ده، په دې

لیکنه کې په دې غبرګونو چې کریډټ

کارټ څه ته وایي او په بانکي سیستم

کې څه اهمیت لري.

کریډټ کارټ: د عصري بانکي

سیستم له برکته اوس سوداګریز

بانکونه کولای شي چې خپلو

مشتریانو ته کریډټ کارټونه ورکړي،

د کریډټ کارټ د موجودیت په

صورت کې کارټ لرونکي د مختلفو

شیانو د خریدارۍ لپاره نیغ په نیغه پیسې نه ورکوي بلکې کله چې کارټ لرونکي خریداري کوي نو د بل پیسې د یو ځانګړي ماشین پواسطه ثبت کیږي او دغه پیسې بیا ټوکي پلورونکي ادارې ته د بانک له لوري ورکول کیږي.





کارټ ورته بیرته تحویلوي.

- د کارټ په ذریعه چې کومې پیسې ویستل شوي وې د هغې واپس کول ناممکن وي او کارټ لرونکي بانک ته دا اختیار ورکوي چې بانک د نوموړي شخص د معاملاتو تفصیل بل بانک، مالي ادارې یا د دولت کوم اختیار لرونکي افسر ته ورکړي.

د کريدت کارټ گټې

لکه څنگه چې کريدټ کارټ ډيرې اسانتياوې رامنځته کړي دي او په همدې بنسټ زياتې گټې لري لکه کريدټ کارټ لرونکي شخص د نقدو پیسو د لرلو د جنجال څخه خلاص وي چې د نقدو پیسو ساتل زياتې ستونزې هم ايجادوي شي او همدارنگه دې ته اړتيا نه لري چې د پیسو د غلا او يا هم ورکيدو څخه وويړي او د دې ترڅنگ د پیسو د شمار څخه هم خلاص وي. کريدټ کارټ لرونکي شخص د پیسو په تاديه کې هم کومه ستونزه نه لري ځکه چې پیسې د بانک لخوا پلورونکي ادارې ته ورکول کيږي. د کريدټ کارټ د موجوديت په صورت کې خرڅونکې ادارې ته د پیسو تاديه کول د بانک په وسيله کيږي چې دا د پیسو د ادا کولو يو ښکاره ثبوت دی او د راکړې ورکړې ریکارډ تر ډيره وخته پورې موجود وي.

ضایع شوي یا غلا شوي کارټ په بدل کې د نوي کارټ د اجراء کولو فیس بانک ته د کريدټ کارټ لرونکي کس لخوا ورکول کيږي.

- بانک، کارټ لرونکي ته هره میاشت د هغه د حساب پرچه او معلومات ليري او که کريدټ کارټ لرونکي لا ډېر معلومات د خپلو معاملو اړوند غواړي نو بانک ته مراجعه کوي او همدارنگه که چیرته کارټ لرونکي د میاشتي تر (۱۵) نېټې پورې خپله ذمه واجب الادا پیسې بانک ته ادا نکړي نو بانک دا صلاحیت لري چې هغه د خپلو خدمتونو د معاوضې په توگه (۲٪) فیصده هره میاشت ترلاسه کړي او همدارنگه د بانک لخوا کريدټ کارټ لرونکي ته هېڅ وخت د رکنیت او کلنی فیس بیرته نه ورکول کيږي، کله چې کارټ لرونکي د هغې استعمال بندول غواړي نو بانک ته په لیکنیزه توگه خبر ورکوي او

- ځینې بانکونه د لا ښه خونديتوب په موخه په کارټ باندې د شخص د لاسلیک نمونه هم اخلي او همدارنگه کله چې کارټ ورک یا غلا شي نو ډېر زر هغه بانک ته چې دغه کارټ یې جاري کړی وي باید خبر ورکړل شي. کله چې کارټ استعمالیږي نو د څومره پیسو چې خریداري کيږي هغه د یو ځانگړي ماشین پواسطه ثبت کيږي. کارټ لرونکي ته پکار دي چې د خپل کاروبار یا دندې د تبدیلی اطلاع بانک ته ورکړي.
- کريدټ کارټ لرونکي باید بانک ته په منظمه توگه فیس ورکړي چې دغه فیس په مختلفو نومونو ورکول کيږي لکه د رکنیت فیس چې یوازې یو ځل د رکنیت اخستلو په وخت کې بانک ته ورکول کيږي همدارنگه کلنی فیس چې هر (۱۲) میاشتې وروسته بانک ته ورکول کيږي او ځینې وخت د ورک شوي،

د افغانستان د بانکدارۍ قانون

(۲) د بانکي جواز یا اجازه لیک د لغوې له نیتې څخه بانک اړوند دفتر (د انحلال په حال کې) عبارت، په خپل سرلیک (عنوان) کې په کار وړي او نشي کولای هغه فعالیتونه چې د بانکي جواز یا اجازه لیک مطابق مجاز دي، سرته ورسوي، خو دا چې د بانک د انحلال د پای ته رسولو د پروسې د چټکولو په منظور اړین و گڼل شي.

بانک یا نوموړي دفتر، د دې قانون د دوه شپږمې او درې شپږمې مادې د حکمونو مطابق، د انحلال او تصفیې د چارو په بهیر کې، د دې قانون تر حکمونو لاندې راځي.

درېم فصل

د بانک تشکیل، مالکیت او اداره

د بانک تاسیسول

اووه لسمه ماده:

بانک د یوه یا څو حکمي یا حقيقي اشخاصو لخوا د موسس یا ونډه لرونکي (سهم لرونکي) په عنوان جوړېدای شي.

د بانک قانوني جوړښت

اتلسمه ماده:

بانک د شرکت په صورت ثبتېږي او قانوني ډول (جوړښت) یې د هغو مقرراتو په واسطه چې د بانک لخوا صادرېږي مشخص کېږي.

بانک خپل قانوني جوړښت یا تشکیل ته، د د افغانستان بانک له د مخکنۍ لیکلې اجازې پرته بدلون نشي ور کولای.

د بانک اساسنامه

نولسمه ماده:

(۱) بانک د اساسنامې لرونکی وي چې د د افغانستان بانک له تصویب وروسته د بانکونو د ثبت مرکزي دفتر ته سپارل کېږي او ثبتېږي.

(۲) بانک نشي کولای د د افغانستان بانک له د مخکنۍ لیکلې اجازې پرته په خپله اساسنامه کې تعدیلونه راوړي. ●

د غوښتنلیک په صورت کې د بانکي جواز یا اجازه لیک لغو کول پنځلسمه ماده:

(۱) بانک کولای شي د خپل بانکي جواز یا د فرع یا د نمایندګۍ د دفتر اجازه لیک لغوه، د انحلال د تګلارې (برنامې) او بهرنۍ خپلواکۍ بررسی له رپوټ سره یو ځای د مالي صورت حساب د د افغانستان بانک لپاره د منلو وړ وي غوښتنلیک په وړاندې کولو سره وغواړي.

د د افغانستان بانک مکلف دی، د دریو میاشتو په ترڅ کې پدې هکله تصمیم ونيسي.

(۲) د دې مادې په (۱) فقره کې د درج شوي غوښتنلیک منظوري، د انحلال د برنامې په تصویب او له نه ورشکستګۍ څخه د ډاډ تر لاسه کولو، د بانکي جواز د لغوه کولو په وخت کې د سپارنو ا یښودونکو او نورو دائینو د بدیهیو د ورکړې لپاره د کافي وجوهو په درلودلو سره، د دې قانون په دوه شپږمه ماده کې د درج شوي حکم د په پام کې نیولو سره، د د افغانستان بانک لخوا صورت موندلی شي.

(۳) د غوښتنلیک په صورت کې د د افغانستان بانک تصمیم د دلایلو په وړاندې کولو سره په لیکلې توګه د مربوط بانک په اطلاع رسول کېږي.

(۴) هغه تصمیم چې د غوښتنې په صورت کې د بانکي جواز یا اجازه لیک په هکله نیول کېږي؛ د د افغانستان بانک لخوا د بانکونو د ثبت په مرکزي دفتر کې ثبتېږي او سمدستي (فوراً) نافذېږي.

د بانکي جواز یا اجازه لیک د لغوه کولو تصمیم خپرول شپاړسمه ماده:

(۱) د د افغانستان بانک د بانک د بانکي جواز یا د داخلي فرع یا نمایندګیر د دفتر د اجازه لیک د لغوه کولو په اړه د خپل تصمیم له نیتې وروسته په پنځو ورځو کې، موضوع د هېواد په یوه کثیرالانتشاره رسمي ورځپاڼه کې خپروي.

امکان استفاده از

انرژی نا محدود در

افغانستان



در مجموع هر نوع انرژی که باشد دارای ارزش اقتصادی فراوانی است که بخشی ازین انرژی ها مانند سوخت های فسیلی زیان های جبران نا پذیری را مانند آلودگی های خاک، تغییرات نا مناسب آب و هوا، شدت گرمای زمین، آلودگی های بیماری زا و غیره را در پی دارند، اما برخلاف انرژی های غیر فسیلی نا محدود بوده و عوارض جانبی فوق را در پی نداشته که با استفاده از آن می توان کشور را به سوی شکوفایی سوق داد.

انرژی غیر فسیلی مانند انرژی فسیلی، محدود و منحصر به چند کشور نبوده بلکه در تمامی نقاط کره زمین قابل دسترس و رایگان میباشد که افغانستان نیز میتواند با استفاده ازین نیروی رایگان و قابل تجدید بسوی ترقی و تعالی همه جانبه حرکت نماید.

افغانستان دارای منابع بهره برداری از انرژی قابل تجدید مانند آبشار های متعدد، ۲۰۰ رود خانه بزرگ و کوچک، استفاده از بیوگاز، استفاده از گرمایی زمین در پربوی شرایط زمین شناسی، استفاده از دستگاه بیو گاز حاصل از کود حیوانات در محوطه هر خانوار با داشتن چند راس گاو یا گوسفند، استفاده از آبهای گرم چشمه های معدنی در منازل رهاشی، بهره برداری از انرژی باد و ...، همه وسیله رفاه اقتصادی برای مردم شمرده می شوند.

خوشبختانه افغانستان سر زمین اعجاز انواع انرژی ها مانند انرژی و سوخت های فسیلی و تجدید نا پذیر مانند نفت و گاز و همچنان دارای انرژی نا محدود و تجدید پذیر مانند نور آفتاب، باد و آب بوده و ما بخاطر وضعیت جغرافیایی و توپوگرافی کشور خود جز بهره برداری از انرژی های تجدید پذیر و دورانی برای تولید انرژی برق و غیره راه دیگری نداریم، زیرا ارتفاعات بلند کوهستان ها، دره های پر پیچ و طولانی و سایر موانع طبیعی سبب میشود تا افغانستان نتواند به آسانی تحت پوشش یک سیستم گسترده شبکه خدماتی مانند برق که یکی از ضروریات عمده زندگی شهروندان کشور است قرار گیرد.

بناً افغانستان می تواند جهت دسترسی به برق و انرژی دوامدار، بدون مصارف هنگفت و ضیاع وقت بخاطر ساختن کارخانجات برق از انرژی دوامدار، تجدید پذیر و متنوع استفاده نماید، بعضی ولایات کشور مانند فراه، هرات، نیمروز و غیره با استفاده از باد های ۱۲۰ روزه که دارند میتوانند از نعمت برق بطور رایگان و به میزان بسیار بالا مستفید شوند، در سایر ولایاتی که کوهستانی اند مردم با بهره گیری از آبشارها و آبگردان ها میتوانند تولید انرژی برق نمایند. این شیوه بطور موفقانه میتواند قراء و قصبات دور از مرکز را به آسانی تحت پوشش انرژی برق قرار دهد.



سود مردم بوده و این برنامه می تواند برق مصرفی بخش وسیعی از مناطق شهری، روستا ها و قریه جات را مرفوع سازد.



در جریان سالهای اخیر به علت مشکلات ناشی از وابستگی های گسترده به نفت و گاز و محدودیت منابع تجارتي به آن، توجه جهانیان به استفاده بیش از حد بيو گاز شده است، بيو گاز مخلوطی از سه ترکیب، بنام های متان، دی اکسید کاربن و سولفید هایدروژن است که در اشتعال این مرکب متان رول کلیدی دارد و یکی از مزیت های خوب دیگر استفاده از این مواد در زندگی انسانها این است که در هنگام سوختن، گاز سمی و خطرناک منواکسید کاربن را تولید نمی کند، بناً میتوان از آن به عنوان سوخت ایمن و سالم در محیط خانه، برای پخت و پز، تسخین منازل، تولید برق و غیره استفاده نمود، شیوه استفاده از بيو گاز در افغانستان تا فعلاً معمول نبوده در حالت آزمایشی قرار دارد، در حالیکه در سایر کشور ها مانند هندوستان، چین، پاکستان، کوریای جنوبی، تایلند و سایر کشورهای جنوب شرق آسیا از بيو گاز که از مواد فضلات حیوانی بدست می آید استفاده اعظمی بعمل می آید، در کشور ما خصوصاً در روستا ها در هر خانوار در موجودیت چند راس گاو یا گوسفند یک دستگاه بيو گاز ساخته می شود که مشکلات آن خانواده ها را از نگاه تهیه انرژی برق مرفوع می سازد.

در حال حاضر کشور ما با توسعه شهر نشینی و با به میان آمدن شهر های کلان روبرو

چنانچه امروز بهره برداری از وسیله ای به نام سولر در بعضی نقاط روستایی جهت تولید برق به مشاهده می رسد، واقعاً نور آفتاب به عنوان دوست طبیعت، منبع انرژی رایگان، پاک و تازه و عاری از اثرات آلودگی محیط زیست بوده، استحصال آن به فناوری های پر مصرف و تکنیک های پیشرفته نیاز نداشته و مانند انرژی هسته ای خطراتی در پی ندارد. استفاده ازین شیوه بهترین راه برای دستیابی به نیرو، رشد و توسعه اقتصادی کشور ما به حساب می شود.

مقدار انرژی که زمین در مدت یک ساعت از آفتاب دریافت می نماید به مراتب بیشتر از انرژی مصرفی جهان در یک سال است، با استفاده از انرژی آفتاب در تولید برق و انرژی در مصرف سایر انرژی ها صرفه جویی به بعمل می آید و میتوان با استفاده از انرژی آفتاب در حمام ها، ماشین های خشک کن، آیرکندیشن ها، تسخین منازل و غیره استفاده نمود.

افغانستان کشور کوهستانی، دارای ارتفاعات برفگیر فراوان و پرتگاه های زیاد طبیعی آب جهت استحصال برق می باشد، ما می توانیم با استفاده از ساختن اسداد آبی زمینه تولید برق، انکشاف زراعت و تهیه آب برای ساکنین شهر ها اقدام نمائیم، بناً استفاده از انرژی هیدرولکتریک در کشور به

بعمل می آید که در صورت توسعه و تعمیم صنعت بیو گاز، صنعت مالدارۍ نیز انکشاف خواهد نمود.

تاریخچه استفاده از انرژی باد در افغانستان به چندین هزار سال قبل می رسد که در آن ایام مردم از انرژی باد در آبیاری زراعت و آسیاب بادی استفاده می نمودند. بر اساس شواهد تاریخی و اعتراف غربی ها، تکنولوژی آسیاب بادی بعد ازینکه اعراب به افغانستان تسلط حاصل نمودند، این تخنیک توسط آنها به غرب منتقل شد که آسیاب های بادی هالند ثمره انتقال تخنیک آسیاب بادی از افغانستان به غرب است که تا فعلاً هالندی ها صنعت آسیاب بادی را حفظ کرده و آنرا سمبول ملی خود قرار داده اند، اما در افغانستان به جز از چند آسیاب بادی که در هرات وجود دارد دیگر آثاری از آن نیست.

در سایر کشور های دیگر نیز مانند افغانستان استفاده از نیروی باد ریشه تاریخی دارد که از نیروی باد در حرکت کشتی ها استفاده بعمل می آمد، انرژی باد یک انرژی پایدار است که ارتباط به موجودیت آفتاب دارد، زیرا تفاوت هوای گرم و سرد باعث ایجاد باد می شود. در حال حاضر رشد شتابان جمعیت در جهان و موضوع گرم شدن کره زمین توجه جامعه جهانی را به استفاده از انرژی های نو و پایدار مانند آفتاب، باد و آب مبذول داشته است، چنانچه در سال ۲۰۰۵ در ایالات متحده امریکا در طول یک سال ۸/۱۷ میلیارد کیلو وات برق در ساعت توسط باد تأمین گردید که مشکل ۶/۱ میلیون خانوار را از ناحیه برق مرفوع می ساخت.

در حال حاضر مقدار بهره گیری از انرژی باد نسبت به دهه ۹۰ در کشور های مانند آلمان، اسپانیا، هند و دنمارک رشد قابل ملاحظه داشته، زیرا در کشور های فوق الذکر معافیت از پرداخت مالیه درین صنعت باعث شد تا سرمایه گذاران درین عرصه بیشتر سرمایه گذاری نمایند، چنانچه با استفاده ازین صنعت دنمارک ۲۰ در صد انرژی مورد ضرورت خود را از انرژی بادی تأمین می کند. ●

تهیه کننده: عبدالحفیظ شاهین

اقتباس از: بنیاد های جغرافیایی اقتصاد افغانستان : نویسنده: محمد عظیم عظیمی

بوده و نیاز مردم به مواد مصرفی روز بروز بیشتر میگردد، که این امر خود سبب افزایش زباله ها شده و تهدیدات جدی را برای محیط زیست بوجود می آورد، که دفن کردن آن به شکل غیر فنی باعث تولید مواد سمی گردیده که احتمال نفوذ در آبهای زیر زمینی را با خود دارد که در آنصورت کنترل کردن آن مصارف هنگفتی می خواهد که از توان ما خارج است، اما برخلاف جمع آوری درست زباله ها و دفن آن بشکل اصولی و فنی علاوه بر کنترل آلودگی های ناشی از زباله های مذکور، پتانسیل بسیار خوب و مناسبی برای به میان آمدن زمینه بیو گاز که برای زندگی روز مره اهمیت فراوان دارد در پی دارد.

با استفاده از بیو گاز در زندگی روز مره مردم، صرفه جویی در سوخت های مانند: چوب، زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی بعمل می آید، درین پروسه مواد فضلات حیوانی و انسانی که بصورت عادی خطر جدی برای زندگی انسانها بشمار میرود به کود "آلی" که از کیفیت عالی برخوردار بوده تبدیل می گردد، دهاقین و کشاورزان می توانند از آن در کشت و زراعت شان استفاده نموده، از قطع منابع طبیعی مانند: جنگل ها، درختان شمر و غیر شمر جلوگیری

بزرگترین ذخایر طلای جهان در انحصار کدام کشورهاست؟



معرفی کشور هایی که بیشترین ذخایر طلا را در جهان دارا میباشند.

ایالات متحده امریکا: ذخایر طلای ایالات متحده امریکا برابر با ۸ هزار و ۹۶۵.۶ تن است که قیمت کنونی آن در حدود ۴۱۸ میلیارد و ۳۹۰ میلیون دالر خواهد بود.

آلمان: ذخایر طلای کشور آلمان در اختیار بانک مرکزی این کشور (دویچه بانک Deutsche Bundesbank) قرار دارد. این ذخایر حدود ۳۴۴۵.۷ تن است که قیمت کنونی آن بالغ بر ۱۷۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر خواهد رسید.

ایتالیا: ذخایر طلای ایتالیا برابر با ۲۷۰۲.۶ هزار و ۷۰۲.۶ تن میباشد. که قیمت کنونی آن حدود ۱۲۶ میلیارد و ۱۲۰ میلیون دالر ارزش خواهد داشت.

فرانسه: ذخایر طلای این کشور برابر با ۲۶۸۴.۶ تن است که ارزش آن به قیمت کنونی به ۱۲۵ میلیارد و ۲۸۰ میلیون دالر امریکایی می رسد.

چین: ذخایر طلای کشور چین برابر با ۱۱۶۱.۹ تن است که قیمت کنونی آن به ۵۴ میلیارد و ۲۲۰ میلیون دالر تخمین شده است.

سوئیس: بانک ملی سوئیس اختیار تمامی ذخایر طلای این کشور را به عهده دارد. ذخایر طلای این کشور ۱۱۴۶.۵ تن میرسد که قیمت کنونی آن به ۵۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دالر خواهد رسید.

روسیه: ذخایر طلای کشور روسیه در سال

پول با تغییر سیاست هایش در عرصه طلا، بر میزان ذخایر طلای ۱۸۵ کشور عضو این صندوق نظارت داشته است. این سازمان بین المللی خود به تنهایی ۳ هزار و ۱۰۱ تن از طلای جهان را در اختیار دارد که بالغ بر ۱۴۴ میلیارد و ۷۶۰ میلیون دالر امریکایی ارزش دارد.

همچنین شورای جهانی طلا یا (GLD) با ۱۲۱۳.۹ تن طلا به ارزش ۶۴ میلیارد و ۵۳ میلیون دالر ذخایر بزرگ دیگر طلا در جهان محسوب می شوند.

ذخایر طلا یکی از مهمترین شاخص های اقتصادی و تولیدی است. کشورهای دارای ذخایر بالای طلا از توان بیشتری در کنترل بازار و در نتیجه تأثیر بیشتری در بازار و تجارت جهانی دارند. به گزارش گروه بین المللی در سال ۲۰۱۲ برخی بانک های مرکزی، سازمان های بین المللی و دولت ها با داشتن بالغ بر ۳۰ هزار و ۷۰۰ تن طلا بیشترین ذخایر طلای جهان را به خود اختصاص داده اند. در ۲۵ سال گذشته صندوق بین المللی

۲۰۰۹ بیش از ۲۱ درصد رشد داشت و به ۹۶۰.۱ تن رسید. ارزش طلای روسیه ۴۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دالر تخمین گردیده است.

چاپان: ذخایر طلای چاپان برابر با ۸۴۳.۵ تن است که ارزش دالری آن برابر با ۳۹ میلیارد و ۳۶۰ میلیون دالر می باشد.

هالند: ذخایر طلای این کشور برابر با ۶۷۵.۲ تن است که قیمت کنونی آن به ۳۱ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دالر امریکایی خواهد رسید.

هندوستان: ذخایر طلای کشور هندوستان برابر با ۶۱۴.۷۵ تن است که ارزش آن به قیمت کنونی طلا در جهان به ۲۸ میلیارد و ۶۹۰ میلیون دالر خواهد رسید.

تایوان: ذخایر طلای کشور تایوان برابر با

۴۶۵.۶ تن که ارزش دالری آن ۲۱ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر پیش بینی خواهد شد. پرتگال: ذخایر طلای کشور پرتگال برابر با ۴۲۱.۶ تن است که به قیمت کنونی طلا به ۱۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر تخمین شده است.

اگر چه سازمان زمین شناسی امریکا، چین را به عنوان بزرگترین تولیدکننده طلا در جهان در سال ۲۰۱۱ میلادی معرفی کرد. براساس گزارش منتشر شده از سوی سازمان زمین شناسی امریکا، چین در سال گذشته میلادی ۳۵۵ تن طلا تولید کرده و به بزرگترین تولیدکننده این فلز گرانبها در جهان تبدیل گردید. بعد از چین استرالیا با تولید ۲۷۰ تن در رده دوم قرار گرفته و امریکا نیز با تولید ۲۳۷ تن طلا رتبه سوم را

به خود اختصاص داد.

در رده بندی بزرگترین تولیدکنندگان طلای جهان افریقای جنوبی سیر نزولی داشت که در سال گذشته پس از روسیه که ۲۰۰ تن طلا تولید کرد، در رده پنجم با تولید ۱۹۰ تن جای گرفت.

تولید مجموعی طلا در جهان طی سال ۲۰۱۱ میلادی حدود دو هزار و ۷۰۰ تن پیش بینی گردیده بود که نسبت به تولید سال ۲۰۱۰ بیش از پنج در صد افزایش نشان می دهد.

همین سازمان امریکایی، استرالیا را با هفت هزار و ۴۰۰ تن به عنوان بزرگترین دارنده ذخایر طلا در جهان معرفی کرده است. بنابر این گزارش و در اختیار داشتن ذخایر طلا بعد از استرالیا کشور های افریقای جنوبی و روسیه قرار دارند. باید گفت که ذخایر جهانی طلا نیز حدود ۵۱ هزار تن گزارش شده است.

در همین حال پیش بینی می شود تولید طلا در جهان به دلیل افزایش تولید در کشور های استرالیا، کانادا، چیلی، چین، مکسیکو و روسیه بلند تر خواهد رفت.

قابل ذکر است که همچنان با افزایش قیمت طلا در بازار های جهانی و ادامه بی ثباتی وضعیت اقتصادی در کشور های مختلف سرمایه گذاری روی طلا به عنوان یک سرمایه گذاری ایمن افزایش یافته است. ●

حمیده ستانکزی

از آمریت عملیات بازار

منبع: www.taknaz.ir/news

مجله ملی ستندرد سال ۱۳۸۷



با اصطلاحات حقوقي و اقتصادي آشنا شويد

بخش آخر

گردآوردنگان: خاړونکي پاميری و خاړونکي حیدري اعضای دفتر مشاوريت حقوقي

- ۲۵۷- مفتری: شخصي که خلاف واقعیت امری را به شخصي دیگر نسبت داده و افتراء می کند.
- ۲۵۸- مقاوله: تعهد حقوقي که در آن توافق دو یا چند اراده به منظور ایجاد انتقال و یا تغییر و یا اسقاط حق یا وجیه صورت گرفته باشد.
- ۲۵۹- مقررات دولتي: دساتیر و احکامی که از طرف مقامات ذیصلاح دولتي در یک ساحه معین و مشخص وضع می گردد.
- ۲۶۰- مکافات: پاداش مادی یا معنوی که از جانب یک شخص حقیقی و یا حکمی به یک شخص دیگر اعطاء می گردد.
- ۲۶۱- مکتوب رسمی: نامه اداری که بعد از ثبت در مرجع صادر کننده به مرجع مطلوب جهت اجراءات قانونی فرستاده می شود.
- ۲۶۲- مکلفیت بیمه کننده: تکلیف بیمه کننده به جبران خسارات در صورت وقوع خطری که در عقد بیمه تعهد نموده است.
- ۲۶۳- مکلفیت قانونی: تکلیفی که شخص مطابق احکام قانون مکلف به انجام آن می باشد.
- ۲۶۴- ملکیت: حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار می گیرد و تنها مالک میتواند در حدود احکام قانون به استعمال بهره برداری و هر نوع مصرف مالکانه در آن بپردازد.
- ۲۶۵- ملکیت شرعی: ملکیتی که اوسط اسناد معتبر قانونی، سوابق شواهد و تصرفات مالکانه آشکاری که باطل کننده آن موجود نباشد می گردد.
- ۲۶۶- مناقصه: خریداری مال با اموال معین از طرف مامور رسمی دولت به نازلترین قیمتی که از طرف فروشندگان پیشنهاد می گردد.
- ۲۶۷- موافقتنامه: تعهداتی که به توافق جانبین یک مقاوله تجارتي، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقي در حد شخصیت های حقیقی و یا حکمی رسانیده شده، الزماتی را برای طرفین ببار بیاورد.
- ۲۶۸- مؤسسات کريدتي: اشخاص حکمی که بر اساس مجوز قانونی بانک مرکزی امانات و سایر وجوه قابل تادیه را از افراد تسلیم و در عوض از حساب خود به آنها قرضه می دهد.
- ۲۶۹- موظف خدمات عامه: شخصي که جهت اجرای وظایف اعم از اداری و اجرائیوی در مطابقت با احکام قانون از طرف دولت توظيف گردیده باشد.
- ۲۷۰- موقف تحصیلی: حالتی که امور مبتنی بر موافقه اداره در داخل و یا خارج از کشور مصروف فراگیری پروگرام های طویل المدت و قصیر المدت باشد.
- ۲۷۱- ناظر: شخصي که عملی را به نمایندگی از شخص دیگری مورد توجه قرار داده و صحت و سقم آن عمل را به مقیاس معینی که تعهد شده سنجیده و دارای صلاحیت قانونی باشد و از اجراءات خویش برای صاحب حق اطلاع دهد.
- ۲۷۲- ناظرکُل: شخص حسابدار مسلکی که در مطابقت با احکام قانون برای مدت معین در بانک تعیین می گردد.
- ۲۷۳- نرخ: قیمت و ارزش یک سند بهادار سهم مال یا متاع که قبلاً معین شده باشد.
- ۲۷۴- نشر بانکنوتها: حق انحصاری نشر بانکنوت و سکه فلزی بمنظور دوران، تامین و حفظ ثبات سیاست های اقتصادی دولت در یک کشور از طرف مرجع ذیصلاح (بانک مرکزی) در مطابقت به احکام قانون.
- ۲۷۵- نشر بودجه: نشر بودجه سالانه بعد از تصویب توأم یا تخصیصات و اسناد توضیحی از طرف مرجع ذیصلاح در مطابقت با احکام قانون. ◀

۲۹۲- وکیل مدافع: شخصیکه مطابق احکام قانون در پیشگاه محاکم و سایر مراجع از حق موکل خویش دفاع یا دعوی را اقامه می نماید.

۲۹۳- ولی: شخصیکه بر طفل صغیر یا غیر رشید سرپرستی داشته باشد.

۲۹۴- ویزه: اجازه نامه که برای ورود خروج و اقامت اتباع خارجی در کشور دیگر بداخل پاسپورت یا ورقه جداگانه صادر می گردد.

۲۹۵- هدیه: در اصطلاح حقوق مدنی تملیک مال منقول بطور مجانی یا انتقال از موضعی به موضع دیگر به قصد اکرام و تعظیم .

۲۹۶- هویت: مجموعه اوصاف ذاتی و مدنی شخص که معیار تفکیک اشخاص را تشکیل میدهد.

۲۹۷- هیئت عامل: اشخاصی حقیقی که مسوول اداره و اجرای فعالیت های مؤسسه یا شرکت بوده و توسط مجمع عمومی سهامداران برای یک مدت معین مطابق احکام قانون بر اساس نامه مربوط تعیین می گردد.

۲۹۸- هیئت مدیره: افراد عهده دار رهبری جمعیت انجمن یا شرکت.

۲۹۹- هیئات نظارت: افرادی که جهت بررسی امور شرکت و اجراءات هیئات مدیره تعیین می گردد. ●

منابع و ماخذ:

قاموس اصطلاحات حقوقی - پوهنتون کابل ۱۳۸۹

قانون جزاء افغانستان ۱۳۵۵

قانون مدنی افغانستان ۱۳۵۵

قانون اصول محکومات مدنی افغانستان ۱۳۶۹

قانون مالیات بر عایدات ۱۳۸۷

قانون بانکداری افغانستان ۱۳۸۲

قانون اجراءات جزایی موقت برای محاکم ۱۳۸۲

قانون اساسی افغانستان ۱۳۸۳

۲۷۶- نشر قانون: چاپ و نشر قانون در جریده رسمی که هدف آن آگاه ساختن مردم و ارگانهای تطبیق کننده قانون می باشد.

۲۷۷- نظام مالی اسلام: تهیه منابع مالی و مخارج عامه مبتنی بر اصول و احکام اسلامی.

۲۷۸- نماینده با صلاحیت بانک: شخصی که طبق قوانین و مقررات بانکی (سیستم بانکداری) از جانب صاحب جواز برایش اختیار داده شود که به نمایندگی وی در پیشبرد فعلیت بانکی اشتراک ورزد.

۲۷۹- نماینده مالی: شخصی که مراقب امور مالی اشخاص حقیقی یا حکمی را به عهده دارد.

۲۸۰- نقود: مجموع پول، سکه، طلا و نقره می باشد که روی سکه حک شده باشد.

۲۸۱- نوت بانکی: پول کاغذی که جانشین نقود با پول فلزی قابل چلند باشد.

۲۸۲- واحد اول بودجی: وزارت ها و ادارات دولتی که در موازنه بودجی دارای بودجه مستقل باشند.

۲۸۳- واحد پولی: پول رایج قانونی یک کشور یا محل با در نظر داشت علامه آن.

۲۸۴- واحد دوم بودجی: اداره یی که دارای سند تخمینی مصارف بوده و تحت اثر واحد اولی قرار دارد.

۲۸۵- واحد سوم بودجی: اداره یی که دارای سند تخمینی مصارف بوده و تحت اثر واحد دومی قرار دارد.

۲۸۶- وثیقه: یک یا چند نوع دارایی حقوق یا اسنادی که بعنوان تضمین تعهدات خریدار یا صادر کننده در اختیار بانک عامل قرار می گیرد.

۲۸۷- وثیقه رسمی: سند بهادار رسمی که از طرف محکمه جهت توثیق امور مختلف حقوقی و قضایی ترتیب گردیده بعد از تحریر، ثبت، امضاء و مهر محکمه مربوط مدار اعتبار قانونی می باشد.

۲۸۸- وجه: نقود و پولی که ملک شخصیت های حقیقی و حکمی بوده می تواند.

۲۸۹- وسایل اثبات: در ساحه حقوق مدنی اقرار بینه یعنی شهود شامل قرائن قاطعه و مستنبطه، یمین یعنی سوگند و نکول یعنی اعراض از قسم.

۲۹۰- وصیت نامه: ورقه یی که در آن شخص قبل از وفات ترتیب تصرفات قنونی در اموال و دارایی خویش را ثبت می دارد.

۲۹۱- وکالت: عقدی که به موجب آن موکل شخص دیگری را در تصرفات قنونی و معلوم قایم مقام خود می سازد.



اطلاعیه د افغانستان بانک

در داد و ستد و معاملات اقتصادی تان از پذیرش اسعار خودداری کنید و به اشخاصیکه از اسعار در معاملات پولی خویش کار می گیرند بگویید که پول ملی ما نشانه از فرهنگ، تاریخ و هویت ملی ماست و ترویج آن معرف و نشانه از فرهنگ عالی افغان هاست. ●

BanK

Da Afghanistan Bank, Publication

Issue 66 Sixth Year, December 2012

ګرانو هېوادالو!

د افغانستان رایجې پیسې او پولي واحد افغانۍ دي، له همدې امله

د ټولو افغانانو څخه غوښتل کیږي څو په اقتصادي راکړو او ورکړو کې

له افغانیو کار واخلي.